تحدی

یا

دعوت بمقابله بمثل

اعجاز قرآن

نویسنده:محمد امینی گلستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

تحدی یا دعوت بمقابله بمثل

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تحدی یا دعوت بمقابله بمثل

مشخصات کتاب

سرشناسه : امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور : تحدی یا دعوت بمقابله بمثل/ محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر : قم: سپهر آذین، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۳۵ ص.

موضوع : اعجاز قرآن

ص: ۱

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

فهرست موضوعات

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

تقدیم

ثواب تألیف این کتابم را به روح فرزند جوان مرگم حجهالاسلام آقای دکتر حاج حسن امینی گلستانی اهداء می نمایم عفو و بخشش اورا ازخدای توانا خواستارم امید وارم خدای مهربان او را در بهشت برین خود قرار دهد انشاءاللّه.

پدر داغدیده محمد امینی گلستانی.

ص: ۹

پیشگفتار

قرآن مجید کتابی است استوار و پابرجا بر فراز قدرت ها و علم ها؛ کتابی بی نظیر و بی مانند که خود به یکتایی و بی همتایی خود و نیز آورنده اش دلالت دارد و نیازمند برهان و دلیل نیست. تنها کتابی که کلام خداست و خدا در آن تجلی کرده، و از همین رو کسی نمی تواند مانند آنرا بیاورد، چون خدا در کلامی دیگر تجلی نخواهد کرد. کتابی برای هدایت بشر که توسط آخرین رسول و پیام آور الهی بر مردم خوانده شده است. زبان دارد، ولی زبان علم، که در نهایت فصاحت در عمق جان ها نفوذ می کند، احتجاج می کند، مدح می نماید، هجو می سراید، پند می دهد، می ترساند، بشارت می دهد، تسلیت می دهد، سرزنش می کند، تعلیم می دهد، قضاوت می نماید، مقررات را پایه می ریزد، عبرت می آموزد، قصه می گوید، و ... بی نظیر بوده و بی نظیر

ص: ۱۰

خواهد ماند، و همه جن و انس هم نتوانند مانند آن بیاورند، چون کلام خدای بی مانند است.(۱)

لغت «تحدّی» از کلمه ها و لغات نوظهوریست که از نیمه دوم سده دوم هجری، در میان دانشمندان و اهل فن رواج پیدا کرده و مورد بحث و تطبیق، قرار گرفته است.

ازجمله تطبیق این لغت، به چند آیه قرآن کریم رواج یافته است و برای آن مراحل و مراتبی، بیان نموده و سر بحث و گفتگو را باز نموده اند که از آن تاریخ تاحال، میان مفسرین و حکما و غیرهم، در اطراف آن، بر رسی و تحقیق و اظهار نظرها و گفتگوها بالا گرفته است، بگونه ای که اگر کسی تمامی اقوال و گفتارها در این مورد را، جمع آوری نماید، کتاب قطور و سنگینی خواهد بود.

تَحَدّی به معنای به مبارزه طلبیدن و تعجیز کردن مردم در

۱- سر کار خانم زهره اخوان مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآن تهران،

ص: ۱۱

امری است به این عنوان که مانند آنرا نمی توان آورد و هرکس می تواند، آن را، بیاورد.

بـارزترین نمـونه و مصـداق تحـدی در زمینه قرآن، کتـاب مقـدس مسـلمانان است که مسـلمانان را عقیـده بر اینست که قرآن، خـود مخالفان اسـلام در صدر اسـلام و دوره های بعد را برانگیخت که مِثلش را بسازند و با تمام کوششی که داشته اند، تا این تاریخ و تا دامنه رسـتاخیز قـدرت آن را نداشـته نخواهند توانست. این امر نزد همه مسـلمانان مسـلم و قطعی است زیرا خدائی که کل کاینات و جهان آفرینش را، آفریده در آیات قرآن با قاطعیت تمام، اعلام نموده که قرآن سخنی بی مانند است و برای بشر به هیچ وجه مقدور نیست مانند او را بیاورد:» قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً «،(۱) «بگو اگر همه انس و جن فراهم آیند که نظیر این قرآن را بیاورند نمی توانند مانند آن را بیاورند، هر چند آنها

۱- سوره اسراء، آیه ۸۸

ص: ۱۲

پشتیبان یکدیگر باشند».

در بیان مراحل تحدی، این آیات خواهیم آورد.

در جای دیگر می گوید:» فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیاتٍ «، ترجمه؛» شما هم ده تا سوره مثل این قرآن بیاورید. «.(۱)

همچنین در دو جای دیگر می گوید:» فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ «، ترجمه؛» یک سوره هم شما بیاورید.(۲)

و می توان گفت این دیگر اقلّ آن چیزی است که به آن تحدی می شده است.

دامنهِ ی تحدی

گستردهِ ترین تحدی از میان آیات قرآن در آیهِ ی ۸۸ سورهِ ی اسراء انجام گرفته است. مخاطب این مبارزه طلبی، جن و انس یعنی همه جهانیانند. از این آیه به خوبی استفاده میِ شود که ابعاد اعجاز قرآن اختصاص به فصاحت و بلاغت و زبان خاص آن که زبان عربی

۱- سوره هود، آیه ۱۳

۲- « سوره بقره، آیه ۲۳

ص: ۱۳

است نداشته و از جهات مختلف مطرح است؛ و گرنه دعوت به مقابله غیر عرب با یک کتاب عربی بیِ تناسب است.(۱)

لازم به توضیح است که هم آوردی خواستن) تحدی (در آن نیست که سخنی همسان و همانند سخن خدا بیاورند به گونهِ ای که در شیوهِ ی بیان و نحوهِ ی تعبیر کاملًا همانند باشد، زیرا این گونه همانندی جز با تقلید امکان پذیر نیست! بلکه مقصود از» تحدی «آوردن سخنی است که هم چون قرآن از نظر معنویت دارای جایگاهی ارجمند و والا بوده و در درجهِ ی اعلای بلاغت و فصاحت قرار گرفته باشد؛ سخنی توانا و قدرتمند، رسا و گویا، با محتوایی بلند و متین و استوار باشد. علمای بیان با معیارهای مشخصی، درجات

۱- جوان آراسته، حسین؛ درسنامه علوم قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اوّل، ۷۷، ص ۳۵۲. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، التمهید، چ اوّل، ۷۸، ص ۳۷۲. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۴۸۱.

ص: ۱۴

رفعت و انحطاط هر کلامی را معین ساختهِ اند و برتری کلامی بر کلام دیگر با همین معیارها مشخص میِ گردد.

در علم» بلاغت «به تفصیل از آن معیارها سخن گفته شده است.(۱)

قدیم ترین نمونه های کاربرد اصطلاح» تحدی «

در اشاره به قدیم ترین نمونه های کاربرد اصطلاح» تحدی «در سده ۲ ق، می توان از التفسیر(۲) منسوب به امام عسکری) ع (، و نقل قولی از برخی نوشتارهای جاحظ(۳) یاد کرد. با این حال، شاید کاربرد پر بسامد این

۱- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، التمهید، چ اوّل، ۷۸، ص ۳۷۲. علی اکبر مومنی

۲- ۴۶. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۶، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷ ق/ ۱۹۶۷ م.

۳- ۴۷. حمد خطابی،» بیان اعجاز القرآن« ضمن ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۲۱، به کوشش محمد خلف الله و محمد زغلول سلام، قاهره، ۱۹۹۱ م.

ص: ۱۵

اصطلاح به زمانی باز گردد که تحدی همچون یک اصطلاح برای تبیین وجه اعجاز قرآن در بحث های نیمه دوم سده ۲ ق به کار گرفته شد.

باقلانی) د ۴۰۳ ق/ ۱۰۱۳ م (در آثار خویش از این اصطلاح، فراوان بهره جسته است.(۱) وی کاربرد تحدی را از بحث اعجاز قرآن فراتر برد و شرط لازم برای معجزه بودنِ کار خارق عادتِ مدعیان پیامبری

۱- ۴۸. محمد باقلانی، اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۲۴، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف. محمد باقلانی، اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۳۱، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف. محمد باقلانی، تمهید الاوائل، ج ۱، ص ۱۷۱، به کوشش عمادالدین احمد حیدر، بیروت، ۹۸۷ م محمد باقلانی، تمهید الاوائل، ج ۱، ص ۱۸۴، به کوشش عمادالدین احمد حیدر، بیروت، ۱۹۸۷ م.

ص: ۱۶

دانست.(۱) به گفته او هرگاه کاری فرابشری با دعوت مخالفان به هماوردی همراه نباشد، نمی توان آن را دلیلی برای جلب اعتماد عموم در تأیید ادعای پیامبری فردی که خرق عادت کرده است، به شمار آورد.(۲)

تحدی اصطلاحی آشنا در میان متکلمان ومفسران

تحدی از آن پس، به زودی در میان متکلمان، و سپس مفسران، اصطلاحی آشنا، شناخته و پر بسامد گشت.

متکلمان گفتند وقتی قرآن تحدی کرد، اگر برای فصیحان عرب امکان داشت که هماوردی کنند، هیچ گاه به جنگ های خونین و مشکلات دیگر تن در نمی دادند.

۱- محمد باقلانی، اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۲۵۱ ۲۵۲، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف.

۲- محمد باقلانی، اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۲۵۱، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف.

ص: ۱۷

(۱)

تعریف تحدی

تحدّی در لغت از "حدو، حداء و حدی "گرفته شده،(۲) و به معنی دعوت نمودن دشمن به نبرد و پیروزی بر اوست (۳) و همچنین به معانی قصد و آهنگ چیزی کردن، و درخواستی برای رقابت نمودن که هدف از آن به عجز در آوردن طرف مقابل باشد نیز آمده است (۴) و در اصطلاح عبارتست از این که معجزات انبیاء همیشه

۱- ۵۴. محمد طوسی، الاقتصاد، ج ۱، ص ۱۶۹ تهران، ۱۴۰۰ ق.

۲- ۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۴، بیروت، دار صادر، س ۱۴۱۴ ق. جوهری، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ج ۶، ص ۲۳۱۰، لبنان، بیروت، دارا لعلم للملابین، س ۱۴۵۴ هق ۱۹۸۴ م.

۳- میرزا عبدالرحیم صفی پور، منتهی الارب، ج ۱، ص ۲۳۰ تهران، موسسه کربلای محمد حسین.

۴- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۶۶۰.

ص: ۱۸

همراه با مبارزه طلبی و هماوردی می باشند. پیامبران الهی با انجام امری فوق العاده و اثبات عجز دیگران، ادعای خود را به اثبات می رسانند، بنابراین هر کاری گرچه فوق العاده باشد و دیگران از انجام آن عاجز باشند، ولی اگر به همراه تحدّی و مبارزه طلبی نباشد، معجزه نامیده نمی شود(۱) به عبارت دیگر، تحدّی شرط اساسی در معجزه و اثبات عجز کسانی است که می خواهند با آن مبارزه نمایند.

تحدی در قرآن

این اصطلاح که بر تبیین ویژه ای از هماوردجویی قرآن کریم استوار است، نخستین بار در نوشته های کلامی سده ۲ ق رواج یافت. برپایه تبیین یاد شده که خود پیشینه ای کهن دارد، قرآن کریم در زیبایی ادبی و

۱- حسن بن یوسف، مناهج الیقین فی اصول الدین، ص ۴۰۳، تحقیق یعقوب جعفری المراغی، دارالاسوه للطباعه والنشر، س ۱۳۱۵ هق.

ص: ۱۹

جنبه های هنری با مخالفان هماوردجویی کرده، و رقیبی نیافته است. درباره زمینه های پیدایی چنین نگرشی، نخست باید گفت که در مقام استدلال بر سرچشمه گرفتن قرآن از وحی الهی، در جای جای آن، مخالفان به آوردن ده سوره همانند آن،(۱)- و گاه یک سوره،(۲)- یا حتی سخنی مشابه آن،(۳) دعوت شده اند. در قرآن کریم تصریح شده است که اگر جن و انس همگی گرد آیند، نخواهند توانست همانند قرآن بیاورند.(۴) -

گرچه در این آیات به بارزترین وجهی به هماوردجویی اشاره شده است، در منابع کلامی به تصریح بیان نشده

۱- ۱۸. هود/ سوره ۱۱، آیه ۱۳. ۱۹. هود/ سوره ۱۱، آیه ۱۳.- ۲۰. سوره بقره: ۲.

۲- بقره/ سوره ۲، آیه ۲۳. یونس/ سوره ۱۰، آیه ۱۰. یونس/ سوره ۱۰، آیه ۳۸. طور/ سوره ۵۲، آیه ۵۲.

۳- طور/ سوره ۵۲، آیه ۳۴.

۴- اسراء/ سوره ۱۷، آیه ۸۸. قصص/ سوره ۲۸، آیه ۲۸.

ص: ۲۰

است که» گفتاری همانند قرآن «بر پایه چه معیارهایی تشخیص داده می شود.

به سبب تحدی در قرآن و دعوت از منکران نبوت در طول تاریخ، تمسک به بلاغت و زیبایی های لفظی و معنایی قرآن و استخراج و اثبات آنها به عنوان یکی از وجوه تمایز و تباین آیات با نمونه های بشری، دست آویز بسیاری از مفسران برای اثبات اعجاز ادبی کتاب مقدس بوده است.

قرآن، و دعوت به تحدّی

سوال: چگونه قرآن دعوت به تحدی مقابله به مثل در برابر خود نموده است؟

پاسخ: قرآن، در چند سوره با بیان و درخواست متفاوت، دعوت به مقابله به مثل نموده است از جمله:

۱- در سوره بقره آیه ۲۴ می فرمایـد: وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُـهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ (۲۳) فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا

ص: ۲۱

وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِی وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَهُ أُعِدَّتْ لِلْکافِرِینَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِی وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَهُ أُعِدَّتْ لِلْکافِرِینَ (۲۴) بقره:

۲۳ و اگر در باره آنچه بر بنده خود [/ پیامبر] نازل کرده ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را- غیر خدا- برای این کار، فرا خوانید اگر راست می گویید!

بقره: ۲۴ پس اگر چنین نکنید- که هرگز نخواهید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها [/ بتها] است، و برای کافران، آماده شده است!

۲- در سوره» اسراء «آیه ۸۸ این سوره در» مکّه «نازل شده است می خوانیم:» قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً «؛) بگو اگر تمام جن و انس اجتماع کنند تا کتابی همانند قرآن بیاورند، نمی توانند، اگر چه نهایت همفکری و همکاری را به خرج دهند (.

۳- در سوره» هود «این سوره نیز در» مکّه «نازل شده

ص: ۲۲

است در آیـات ۱۳ و ۱۴ می خوانیم:» أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُـلْ فَـأْتُوا بِعَشْـرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیـاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْـتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِینَ* فَإِلَّمْ یَسْـتَجِیبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ ... «؛) می گویند: این آیات را به خدا افترا بسته) و ساختگی است (بگو: اگر راست می گوئید، شما هم ده سوره ساختگی همانند آن بیاورید، و غیر از خدا هر کسی را می توانید به کمک خود دعوت کنید* و اگر این دعوت را اجابت نکردند بدانید این آیات از طرف خدا است ... (.

۴- در سوره» یونس «که نیز در» مکّه «نازل شده در آیه ۳۸ چنین آمده است:

» أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِینَ «؛) می گویند: به خدا افترا بسته، بگو: سوره ای همانند آن بیاورید و هر کس غیر از خدا را می توانید به یاری طلبید،

مسیلمه و معارضه با قرآن و آیات تحدی

اشاره

برخی از متكلمان مسلمان قایل به این هستند كه خداوند همت و ارادهِ ی مدعیان را برای پاسخ گویی به

ص: ۲۳

قرآن و آوردن نظیر آن سست میِ کند و نظر آنان را از این کار» صرف «میِ کند یعنی برمیِ گرداند. به این نظریه» صرفه «گفتهِ اند. [۴۱] قول به صرفه نه تنها از دو جنبهِ ی نظری خدشه پذیر است بلکه از حیث عملی نیز بطلانش ثابت شده است. زیرا تاریخ برخی از معارضهِ ها را با قرآن ثبت نموده است که البته مایهِ ی عبرت و شگفتی است. بنابراین در مقابل تحدّی، معارضه صورت گرفته است، امّا سرانجام جز خسارت و فضاحت برای معارضه کنندگان حاصل نشده است.

نمونهِ هایی از این معارضهِ ها به شرح زیر است:

مسیلمه کذاب که ادعای نبوت و پیامبری داشت در مقابل سورهِ ی» فیل «این جملات را ساخته است: الفیل، ما الفیل، و ما ادراک ما الفیل، له ذنب و بیل و خرطوم طویل ....(۱)

یکی از نویسندگان مسیحی که مدعی معارضه با قرآن است در مقابل سوره» حمد «با اقتباسی که از خود سوره

۱- ر. ک: المیزان، ج ۱، ص ۶۸.

ص: ۲۴

داشته است، سوره خودساختهِ ای عرضه نموده است:

الحمد للرحمن، رب الاکوان، الملک الدّیان، لک العباده و بک المستعان، اهدنا صراط الایمان.(۱)

و در مقابل سوره کوثر گفته است: انا اعطیناک الجواهر، فصلّ لربک وجاهر و لا تعتمد قول ساحر! این فرد با تقلید کامل از نظم و ترکیب آیات قرآنی و تغییر برخی از الفاظ آن چنین تلقین میِ کند که با قرآن معارضه نموده است.

او همین بافتهِ هایش را نیز از مسیلمه کذاب به سرقت برده است. مسیلمه در برابر سورهِ ی کوثر گفته است: انا اعطیناک الجماهر، فصل لربک و هاجر و انّ مبغضک رجلٌ کافر.(۲)

نمونهِ هایی دیگر نیز از معارضهِ های واهی و بیِ اساس وجود دارد که برای همیشه به بایگانی تاریخ سپرده شدهِ اند.(۳)

۱- ر. ک: البیان، ص ۹۴.

۲- همان، ص ۹۴ ۹۹.

۳- جوان آراسته، حسین؛ درسنامه علوم قرآنی، ص ۳۵۸. علی اکبر مومنی

ص: ۲۵

سوال: آیا سخنان مسیلمه توانایی معارضه با قرآن رادارد؟

پاسخ: سخنانی که از او به عنوان معارضه با قرآن نقل شده نشان می دهد که او مردی سبک مغز بود، و بی آنکه به محتوای سخن بیندیشد به دنبال سجع در کلمات بود.

از جمله عبارات مضحکی که از وی در این زمینه نقل شده و به اصطلاح تقلید از قرآن است، این کلمات است:

» و المبذّرات بذراً، و الحاصداتِ حَصْداً، و الذّارياتِ قَمْحاً، و الطّاحناتِ طَحْناً، و العاجِناتِ عَجناً، وَ الخابِزاتِ خَبْزاً، و الثّارِداتِ ثِرداً، وَ اللّاقِماتِ لَقْماً، اهاله وسِمناً «(۱)؛) قسم به دهقانان و کشاورزان! قسم به دروکنندگان! قسم به جدا کنندگان گندم از کاه! قسم به خمیر کنندگان! قسم به نان

۱- سفینه البحار، ماده سلم) با مختصر تفاوت(و تاریخ ابن اثیر، جلد ۲، صفحه ۳۶۱ و اعجاز القرآن الرافعی،) ترجمه(صفحه ۱۲۷.

ص: ۲۶

پزندگان! قسم به ترید کنندگان و قسم به لقمه بردارن با چربی و روغن (!

گویی می خواسته است با این جمله های مضحک به مقابله آیات سوره عادیات یا ذاریات برود، قرآن می گوید:

«وَ الْعادِیاتِ ضَبْحاً* فَالْمُورِیاتِ قَدْحاً* فَالْمُغِیراتِ صُبْحاً* فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعاً* فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً* إِنَّ الْإِنْسانَ لِرَبِّهِ لَکَنُودٌ ...»؛) سوگند به اسبان دونده] مجاهدان [در حالی که نفس زنان به پیش می تاختند،* و سوگند به افروزندگان جرقه آتش در برخورد سمهایشان] با سنگ های بیابان* ۱] و سوگند به هجوم آوران در سپیده دم،* که گرد و غبار به هر سو پراکندند،* و] ناگهان [در میان جمع] دشمن [ظاهر شدند،* که انسان در برابر نعمت های پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است (.

ببین تفاوت ره از کجا تا کجا است!

در عبارت دیگری از او نقل می کنند که این گونه آیات را بر خود نازل کرده است!:» یا ضِفْدِعُ بِنْتَ ضِفْدِ عَیْنِ، نقّی ما تَنَقّینَ اعْلاکَ فِی الماءِ وَ اسفَلکَ فِی الطّینِ لا الماءَ

ص: ۲۷

تُکَدِّرینَ وَ لاـ الشّـارِبَ تَمنَعینَ «؛) ای قورباغه ماده، ای دختر قورباغه! آنچه می خواهی صـدا کن! نیمی از بالای بـدنت در آب و نیم پایین آن در گِل است! نه آب را گِل آلود می کنی، و نه کسی را از نوشیدن آب جلوگیری می نمایی (۱)

سایر سـخنان و به اصطلاح آیات دیگری که از او نقل شده نیز همین گونه است؛ بلکه بعضی بدتر و بعضی حتی رکیک تر است که صرف نظر کردن از ذکر آنها اولی است.

از عبـاراتی که از وی نقـل شـده به خوبی اسـتفاده می شود که او تنهـا به سـجع عبـارات اهمیت می داد، و مسـجع بودن را کافی می دانست.(۲)

۱- سفینه البحار، جلد اول، ماده سلم و تاریخ ابن اثیر، جلد ۲، صفحه ۳۶۱ و اعجاز القرآن رافعی) ترجمه(صفحه ۱۲۸.

۲- گردآوری از کتاب: پیام قرآن، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ه. ش، ج ۸، ص ۱۰۵.

ص: ۲۸

ملحدان و اظهار عجز از نقض قرآن در عصر امام صادق علیه السلام

سوال: آیا در طول تاریخ کسانی به فکر تحدیّ با قرآن افتاده اند؟

پاسخ: مرحوم طبرسی در احتجاج از هشام بن حکم، دانشمند معروفی که از شاگردان امام صادق) علیه السلام (بود می گوید که: ابن ابی العوجاء، و ابوشاکر دیصانی، و عبدالملک بصری، و ابن مقفع که همگی از ملاحده و افراد بی ایمان بودند کنار خانه کعبه جمع شده و اعمال حاجیان را به باد مسخره می گرفتند و بر قرآن طعنه می زدند.

ابن ابی العوجاء گفت: بیایید هر کدام از ما یک چهارم قرآن را نقض کنیم) و چیزی همانند آن بیاوریم (و میعاد ما سال آینده در همین جا خواهد بود در حالی که تمام قرآن را نقض کرده ایم؛ زیرا نقض قرآن سبب ابطال نبوّت محمّد) صلی الله علیه وآله (، و ابطال نبوّت او ابطال اسلام، و اثبات حقانیت ادعای ما است. آنها بر

ص: ۲۹

این مسأله توافق کردند و پراکنده شدند.

در سال آینده در همان روز در کنار خانه کعبه اجتماع کردند، ابن ابی العوجاء لب به سخن گشود و گفت: از آن روز که من از شما جدا شدم در این آیه فکر می کردم:

«فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا»؛) هنگامی که] برادران یوسف [از او مأیوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوی پرداختند(۱) دیدم آن قدر فصیح و پر معنا است که نمی توانم چیزی را به آن بیفزایم و پیوسته این آیه فکر مرا از غیر آن به خود مشغول داشت.

عبدالملک گفت: من نیز از آن وقت که جدا شدم در این آیه می اندیشیدم:» یا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُباباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَيْئاً لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ «؛) ای مردم! مَثَلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید:

کسانی را که غیر از خدا می خوانید] و پرستش می کنید ۲] هرگزنمی توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست

۱- سوره یوسف، آیه ۸۰.

ص: ۳۰

هم دهند؛ و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی توانند آن را بازپس گیرند. هم طلب کننده ناتوان است، و هم طلب شونده] هم عابدان، و هم معبودان (۱)

من خود را عاجز دیدم که همانند آن بیاورم.

و ابوشاکر گفت: از آن زمان که از شما جدا شدم در این آیه می اندیشیدم:» لَوْ کانَ فِیهِما آلِهَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا «؛)] در حالی که [اگر در آسمان و زمین، جز خداوند یگانه، خدایان دیگری بود، نظام جهان به هم می خورد(۲)

و خود را قادر ندیدم که همانند آن را بیاورم!

و ابن مقفع افزود:» ای قوم! این قرآن از جنس کلام بشر نیست؛ چرا که از آن لحظه که از شما جدا شدم در این آیه می اندیشیدم:» وَ قِیلَ یا أَرْضُ ابْلَعِی ماءَکِ وَ یا سَماءُ أَقْلِعِی وَ غِیضَ الْماءُ وَ قُضِیَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَی الْجُودِیِّ وَ قِیلَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِینَ «؛) و گفته شد: ای زمین، آبت را فرو بر!

۱- سوره حج، آیه ۷۳.

۲- سوره انبیاء، آیه ۲۲.

ص: ۳۱

و ای آسمان،] از بارش [خود داری کن. و آب فرو نشست و کار پایان یافت و] کشتی [بر] دامنه کوه [جودی، پهلو گرفت؛ و] در این هنگام [گفته شد: دور باد گروه ستمکاران] از رحمت خدا!(۱)

و من خود را از آوردن همانند آن عاجز دیدم.

هشام بن حکم می گوید: در این اثناء جعفر بن محمد الصادق) علیه السلام (از کنار آنها گذشت و این آیه را تلاوت فرمود:» قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هـذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً «؛) بگو: اگر انس و جن دست به دست هم دهند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند] در این کار [پشتیبان یکدیگر باشند(۲)

معارضه با قرآن از جانب منکران در طول تاریخ

گویا در برابر هماوردجویی قرآن،» معارضه «هایی نیز در دو سده نخست هجری از جانب منکران صورت گرفته

۱- سوره هود، آیه ۴۴.

۲- سوره اسراء، آیه ۸۸.

ص: ۳۲

است.(۱) به گزارش پاره ای روایات، در زمان پیامبر) ص (، برخی چون با زیبایی های هنری قرآن مواجه شدند، به فرابشری بودن آن اعتراف کردند.(۲) مضمون این روایات چنین توجیه شده است که آن معترفانِ به فرابشری بودن قرآن ادیبان بودند و عنصر بی نظیری که ایشان در آیات قرآن یافته، و در برابر آن سر فرود آورده اند، زیبایی ادبی است. در منابع متأخر نیز نظریات مشابهی می توان یافت،(۳) باری، قدیم ترین

۱– ۳۸. محمد هادی معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۱۹۱، قم، جامع مدرسین.

۲– محمد هادی معرفت، التمهید، ج، ۴ ص ۲۱۷، قم، جامع مدرسین. محمد باقلانی، اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۲۴، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف.

۳– فخرالدین رازی، نهایه الایجاز، ج ۱، ص ۵ ۷، قاهره، ۱۳۱۷ ق. عمرو جاحظ، البیان و التبیین، ج ۱، ص ۵۲۷، به کوشش فوزی عطوی، بیروت، ۱۹۶۸ م.

ص: ۳۳

شواهد اين نگرش را، می توان در آثار جاحظ) د ۲۵۵ ق (ديد. بنا بر اظهار صريح وی، موضوعی كه قرآن هماوردجويی كرد و معاندان از آن عاجز شدند، بلاغت، شيوايی و معانی والای آن بود.(۱) طبری) د؟ ۱؟ ق/ ۳۱۰ م (نيز عجز معاندان را در برابر هماوردجويی قرآن ياد كرده،(۲) و كلينی) د ۳۲۸ ق/ ۹۴۰ م (روايتی به نقل از امام هادی) ع (آورده است كه بر نزول وحی در عصر رواج آفرينش های ادبی، و برتری هنری قرآن تأكيد می كند.(۳) با نظر به اين شواهد، می توان گفت كه حداقل در سده ق، مفهوم تحدی ناظر به اين اعتقاد رايج بوده كه راز بی نظيری قرآن در هماوردی، زيبايی ادبی آن است.

۱- طبری، تفسير، ج ۱، ص ۲۳۸- ۲۳۹-.

۲- محمد كلينی، الكافی، ج ۱، ص ۲۴ ۲۵، به كوشش علی اكبرغفاری، تهران، ۱۳۷۷ ق.

۳- التفسير، منسوب به امام حسن عسكری) ع(، ج ۱، ص ۱۵۴، قم، ۱۴۰۹ ق.

ص: ۳۴

سوال: آیا در تاریخ کسی توانسته همانند قرآن بیاورند؟

پاسخ: پاسـخ این سؤال روشن است؛ زیرا این موضوع مسأله کوچکی نیست که تاریـخ بتوانـد آن را فراموش کند؛ اگر چنین اتفاقی می افتـاد همه جـا آن را آشـکار کرده، و روی آن مـانور می دادنـد و بهره برداری گسترده تبلیغاتی می کردنـد؛ بنابراین به مصـداق ضرب المثـل معروف» لَوْ کان لَبانَ «:» اگر چنین چیزی بود حتماً آشـکار می شـد «بایـد هر نوع مبارزه و معارضه واقعی با قرآن جلوه داشته باشد.

لذا پاره ای از افراد که شاید هرگز به فکر معارضه با قرآن نبودند را به این کار متهم نمودند و روی آن تبلیغ می کردند.

تنها کسـی که نام او در تاریخ] به عنوان مدعی معارضه [ثبت شده مسـیلمه) مشـهور به کذّاب (است که در همان عصـر پیامبر) صلی الله علیه وآله (در سرزمین یمامه) از نواحی شرق حجاز (قیام کرد و ادّعای پیامبری نمود.

ص: ۳۵

سخنانی که از او به عنوان معارضه با قرآن نقل شده نشان می دهد که گذشته از همه اینها، او مردی سبک مغز بود و بی آنکه به محتوای سخن بیندیشد به دنبال سجع در کلمات بود.

اسود عنسی از کسانی بود که در اواخر عمر پیامبر) صلی الله علیه وآله (به معارضه با قرآن برخاست، او نیز چنین می پنداشت که برای معارضه با قرآن کافی است کلمات مسجعی را به هم تلفیق کند هر چند محتوایی نداشته باشد.

ولی به زودی پیروانش به فساد عقیده او پی بردند و دست از پیروی وی کشیدند.

انواع تحدّی و هماوردطلبی و مراحل آن

اشاره

در قرآن واژه تحدّی بکار نرفته است، اما قرآن به صورت قاطع، بشر را از آغاز عصر نزول تا به امروز به انواع مختلف به مقابله و مبارزه طلبی دعوت کرده و از این طریق به مافوق بشری بودن آن استدلال کرده است:

ص: ۳۶

۱– کل قرآن

» قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هـذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُـهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً «(۱) بگو: اگر انسان ها و پریـان) جن و انس (اتفـاق کننـد که هماننـد این قرآن را بیاورنـد، هماننـد آن را نخواهنـد آورد هر چنـد یکـدیگر را) در این کار (کمک کننـد «با توجه به این که در آیات بعـد مباحث مفصلی در مورد بهانه جوئی های مشـرکان در زمینه اعجاز و طلب معجزات گوناگون آمـده است، آیه محور بحث در حقیقت مقـدمه ای است برای بحث آینـده تا نشان دهـد که قرآن عالی ترین و زنده ترین سند حقانیت پیامبر اسلام) ص (و معجزه است که بشر توانایی آوردن مانند آن را ندارد.(۲)

۱– اسراء/ سوره ۱۷، آیه ۱۳.

۲– مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۷۳– ۲۷۴، تهران، دار الکتب الإسلامیه، س ۱۳۷۴ ش.

ص: ۳۷

۲- ده سوره قرآن

از آنجا که کفار، خـدایی بودن قرآن را انکار می کردند و معتقد بودند که ساخته خود پیامبر است، لذا خداوند به پیامبر دسـتور می دهـد که در جواب آن ها بگوید؛(۱) أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُـلْ فَـأْتُوا بِعَشْـرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیـاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْـتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ «(۲) آن ها می گویند: او به دروغ این) قرآن (را) به خدا (نسـبت داده) و ساختگی است (! بگو: اگر راست می گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید و تمام کسانی را که می توانید غیر از خدا) برای این کار (دعوت کنید!

۳ «– یک سوره»

أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ

۱- ۸. محمد طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۹- ۲، تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲- هود/ سوره ۱۱، آیه ۱۳.

ص: ۳۸

اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ «(۱)

» آیا آن ها می گویند: او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر راست می گویید، یک سوره همانند آن بیاورید و غیر از خدا، هر کس را می توانید) به یاری (طلبید! «

۴- تحدّی قرآن به علم و معرفت

به این معنا که اگر در آسمانی بودن قرآن شک دارید، همه دست بدست هم دهید کتابی که از نظر علم و معرفت مانند قرآن باشد بیاورید، زیرا قرآن کریم کتاب هدایت است، و هر چیزی که برگشتش به هدایت باشد از قبیل معارف مربوط به مبدأ، معاد، اخلاق فاضله، شریعت خداوند، قصص و موعظه هایی که مردم در هدایت به آن احتیاج دارند را بیان کرده است.(۲)

۱- یونس/ سوره ۱۰، آیه ۳۸.

۲- محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۶۹، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، س ۱۳۷۴ ش. ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۸۴- ۵۱، قم، دار الثقلین، س ۱۴۱۸ هق.)

ص: ۳۹

» ... وَ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْ ءٍ ...(۱) و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است «

۵- تحدّی به اینکه در آن اختلافی نیست

» أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلافاً کَثِیراً «۱۴(۲) آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟ اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند «

۶- تحدّی به اخبار غیبی

قرآن در بسیاری از آیاتش با اخبار غیب به تحدّی

۱- نحل/ سوره ۱۶، آیه ۸۹.

۲- نساء/ سوره ۴، آیه ۸۲.

ص: ۴۰

برخواسته و به بشر اعلام نموده که اگر در آسمانی بودن قرآن تردید دارید، کتابی نظیر آن که مشتمل بر اخبار غیبی باشد بیاورید. ۱۵(۱) تِلْکَ مِنْ أَنْباءِ الْغَیْبِ نُوحِیها إِلَیْکَ ما کُنْتَ تَعْلَمُها أَنْتَ وَ لا قَوْمُکَ مِنْ قَبْلِ هذا ... »(۲)

سوال: منظور از تحدیّ و مراحل آن چیست؟

پاسخ: قرآن مجید، روی مسأله تحدی) دعوت به معارضه (که یکی از ارکان اعجاز است تکیه کرده؛ گاه با صراحت و گاه با دلالت التزامی می گوید: این کتاب آسمانی از سوی خدا است و اگر شک و تردیدی در آن دارید جمع شوید و تمام نیروهای خود را به کار گیرید و چیزی همانند آن و یا بخشی از آن را بیاورید.

قابل توجّه این که خداوند تنها تحدّی به مسأله بلاغت و

---

۱ - ۱۵. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۰۱، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، س ۱۳۷۴ ش.

۲- هود/ سوره ۱، آیه ۴۹.

ص: ۴۱

شیرینی بیان و رسا بودن معنی قرآن نمی کنـد؛ بلکه با به کار بردن تعبیر» مثله «؛) همانند آن (شـباهت در تمام جهات را در عبارات، محتوا، معارف و احکام و همه شئون آن مطرح می کند.

قرآن در سوره اسراء آیه ۸۸ می فرمایـد:)] در برابر بهانه جویان لجوج [بگو: اگر همه انسان ها و پریان اجتماع کننـد که هماننـد این قرآن را بیاورنـد نخواهند آورد و هر چند یکدیگر را در این کار پشتیبانی کنند (؛» قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً «

این آیه که از یـک سو دعوت عـامی از همه انسان ها کرده و از سوی دیگر با توجه به جاودانگی دعوت قرآن انسان هایی را که در عصر ما و اعصار دیگر زندگی می کنند را شامل می شود و از سوی سوم با تعبیر به» اجْتَمَعَتِ «و جمله» بعضهم لبعض ظهیراً «آنها را دعوت به همکـاری و همفکری و تعـاون در مقـابله به مثل می کنـد و از سوی چهارم با انواع تحریکات و به اصـطلاح بر سـر غیرت آوردن طرف، در این معارضه

ص: ۴۲

همراه است، که قوی ترین شکل تحدّی را ترسیم می کند؛ و هنگامی که با قاطعیت می گوید:» لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ «؛) هرگز همانند آن را نمی آورند (ارتباط و پیوند آن را با ماورای جهان انسانیت روشن می سازد.

در دومین آیه سطح تحدّی و دعوت به معارضه به مثل را پایین تر می آورد و می گوید:) آنها یعنی مخالفان اسلام می گویند قرآن را به خدا افترا بسته بگو: اگر راست می گویید شما هم ده سوره مانند این سوره های دروغین بیاروید (؛» أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیاتٍ «.

و در آیه ۱۳ سوره هود به کمتر از یک صدم تنزل می دهد و می فرماید:) اگر درباره آنچه بر بنده خود] محمد) صلی الله علیه وآله ([نازل کرده ایم شک و تردید دارید] لااقل [یک سوره مانند آن را بیاورید (؛» وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ «.(۱)

چنانکه گفتیم، در آیات قرآن کریم، گاه تحدی به کل

۱- (هود: ۱۳)

ص: ۴۳

قرآن، گاه به ده سوره و گاه به یک سوره از آن صورت گرفته است. این گونه تحدّی زمینه ساز این سؤال شده است که راز این درخواستِ ها و همانند خواهیِ های متفاوت چیست؟

پاسخی که معمولا داده میِ شود این است که قرآن با این شیوه، تحدی از اشد به اخف نموده است تا اعجاز قرآن بهتر به کرسی نشیند. در آغاز درخواست کرده تا همانند کل قرآن را بیاورند. پس از آن که تلاش برای همانندآوری کل قرآن صورت گرفت و ناتوانی بشر از آوردن همانند آن روشن شد، ده سوره همانند سور قرآن را میِ طلبد و پس از تلاش و اثبات عجز آنان از آوردن ده سوره، قرآن از آنان میِ خواهد که یک سوره همانند قرآن بیاورند. به این ترتیب قرآن مجید سه بار با فاصلهِ ی زمانی انگیزهِ های مردم را به سوی همانند آوری قرآن سوق داده و عجز آنان از آوردن همانند قرآن را در سه مرحله با سیر از دشوارتر به آسانِ تر به اثبات رسانده است.

این پاسخ، بر یک پیش فرض استوار است و آن این که

ص: ۴۴

نزول و به ویژه ابلاغ آیات یاد شـده به ترتیبی بوده باشـد که در این پاسخ مطرح شده است. به این معنی که اوّل آیات تحدی به کل قرآن، سپس آیات تحدی به ده سوره و در نهایت آیات تحدی به یک سوره نازل شده است.

در حالی که در آیات قرآن هیچ شاهدی بر این مدّعا وجود ندارد.

بعلاوه قول مشـهور بین مفسـران و دانشـمندان علوم قرآنی آن است که سوره یونس که مشـتمل بر آیات تحدی به یک سوره اسـت قبل از سورهِ ی هود که مشتمل بر آیات تحدی به ده سوره میِ باشد، نازل شده است. و به این دلیل پیش فرض یاد شده مورد تردید قرار گرفته و پاسخ یاد شده را دچار تزلزل ساخته است.

این نکته مفسـران را بر آن داشـته است که تبیین و توجیهِ هـای دیگری را به میـان کشـند و یـا دفاعی ویژه از پیش فرض یاد شـده به عمل آورند.

در این جـا به منظور جلوگیری از اطالهِ ی سـخن از پرداختن به نقـد و بررسـی اقوال یاد شـده خودداری کرده و به بیان وجهی که به نظر ما سازگارترین وجه با آیات

ص: ۴۵

است اکتفا میِ کنیم.

گرچه اکثر قریب به اتفـاق مفسـران و دانشـمندان علوم قرآنی مفـاد آیـات تحـدی به مثـل قرآن را به کل قرآن دانسـتهِ انـد ولی این احتمال که مقصود از قرآن در این آیات معنای جنسـی باشـد و درصدد بیان مقدار معجزه قرآن نباشد به صورت جدّی مطرح اسـت زیرا قرآن از مـاده قرائت است و قرائت و تلاوت، هم بر کل قرآن صادق است و هم بر جزء آن. علاوه بر آن هنگام نزول این آیات، تمام سورهِ های قرآن نازل نشـده بود. بنابراین نمیِ توان تحدی در این آیات را تحدی به کل قرآن دانست. در این صورت بحث از» ترتیب تحـدی «در این مورد رنـگ میِ بـازد. ولی بـا فرض پـذیرش قول مفسـران در این خصوص میِ توان گفت آیـات تحـدّی در مرحله اوّل ازبشـر میِ خواهـد که اگر در خـدایی بودن قرآن تردیـد دارد کتابی هماننـد قرآن که دارای همهِ ی امتیازات قرآن باشـد بیاورنـد و پس از آن که عجزشـان ثـابت شـد تخفیـف داده میِ فرمایـد: یـک سـوره که از هر جهت شـبیه سـور قرآنی باشـد و همه امتیازات یکی از سور قرآن را

ص: ۴۶

دربرداشته باشد بیاورند، و پس از آن که از چنین امری نیز عاجز شدند تخفیف داده از ایشان میِ خواهد که ده سوره بسازند که هر کدام دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد بطوری که مجموع آن ده سوره بتواند ویژگیِ های یک سوره قرآن را دارا باشد. بدیهی است که ساختن یک سوره که از هر نظر شبیه یک سوره قرآن باشد، مشکلِ تر از فراهم آوردن چند سوره است که هر یک در یک جهت شبیه قرآن باشد. پس تحدی از اشدّ (سنگین) به اخفّ (سبک) صورت گرفته و معقول است.

در دستهِ ای دیگر از آیات قرآن، تحدی به صورت خاص مطرح شده است که تنها به عناوین موضوعات اشاره میِ کنیم:

۱. تحدی به آورندهِ ی قرآن.

۲. تحدی به فصاحت و بلاغت.

۳. تحدی به هماهنگی و عدم اختلاف.

ص: ۴۷

۴. تحدی به خبرهای غیبی.(۱)

نقش هدایتگری قرآن

با نظر در برخی آیات دیگر می توان برای نقش هدایتگری قرآن پاسخی دست یافت. برای نمونه، گاه از نقش هدایتگری قرآن سخن به میان آمده، و از مخالفان خواسته شده است که اگر کتاب بهتری برای هدایت سراغ دارند، بنمایند.(۲) - افزون بر این، از کاربرد اصطلاحات و تعابیری همچون آیه، بیّنه) ه م (، سلطان، برهان و مانند آن ها در جای جای قرآن کریم، چنین بر می آید که معیارهایی پذیرفته شده برای امر هدایت نزد همه مخاطبان در عصر نزول، وجود داشته است. نیز

۱- علی اکبر مومنی

۲- قصص/ سوره ۲۸، آیه ۴۹. زخرف/ سوره ۴۳، آیه ۴۳. زخرف/ سوره ۴۳، آیه ۲۴. بقره/ سوره ۲، آیه ۲.- ۳۳. بقره/ سوره ۲، آیه ۱۸۵.

ص: ۴۸

شیوه توصیف قرآن از خود، ۳۳(۱) بیشتر ناظر به محتوا و مضمون کلام الهی، و نه شکل و ساختار ظاهری است. از این رو، شاید بتوان گفت آنچه در هماوردجویی موردنظر است، هدایتگری قرآن کریم است. آنجا که از نگرش های کهن نسبت به موضوع هماوردجویی قرآن کریم سخن می رود، می توان به روایات شأن نزول آیه» لَوْ نَشاءُ لَقُلْنا مِثْلَ هـذا إِنْ هـذا إِلَّا أَساطِيرُ الْأَوَّلِينَ «(۲) اشاره کرد. بر پایه این روایت، یکی از مشرکان به نام نضر بن حارث، در برابر سرگذشت اقوام پیشین که یادی از آنان در قرآن شده، به نقل داستان ها و افسانه های مسیحیان می پرداخت.(۳) با اعتماد به نقل این روایت در سده ۲ ق، می توان گفت که در ذهنیت مسلمانان آن

۱- انفال/ سوره ۸، آیه ۷. انفال/ سوره ۸، آیه ۳۱.

۲- انفال/ سوره ۸، آیه ۳۱. ابن جوزی، زادالمسیر، ج ۳، ص ۳۴۸، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۳- محمد هادی معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۲۲۸، قم، جامع مدرسین.

ص: ۴۹

عصر، موضوعی که در قرآن کریم بدان تحدی شده، مفاهیم هدایتگرِ آن است.

ارتباط تنگاتنگ مفهوم تحدی با اعجاز قرآن

به مرور زمان، مفهوم تحدی ارتباط تنگاتنگ با اعجاز قرآن یافت؛ یعنی در چارچوب این دیدگاه مطرح شد که: نبوت مدعی پیامبری تنها از طریق بروز خرق عادتی از سوی وی، همراه با ادعای تحدی او، و خواست خدا به اقتضای قاعده لطف در بازگرداندن توان دیگران از پاسخ گفتن به تحدی قابل اثبات است.(۱) در سخن از فرق معجزه با کارهای بزرگ نوابغ، یا کرامات اولیا نیز تحدی را شرط کرده اند، چرا که گاه ممکن است

۱- محمد باقلانی، تمهید الاوائل، ج ۱، ص ۱۸۴، به کوشش عمادالدین احمد حیدر، بیروت، ۱۹۸۷ م. عضدالدین ایجی، المواقف، ج ۳، ص ۳۴۵، به کوشش عبدالرحمان عمیره، بیروت، ۱۹۹۷ م.)

ص: ۵۰

خداوند امکان انجام دادن کاری فرابشری را به کسی بدهد، ولی به اقتضای لطف، همت وی را از ادعای نبوت باز دارد.(۱) طبیعی است که با اختلاف دیدگاه ها در وجه اعجاز قرآن، ضمن تفسیر آیات تحدی، نظریات متنوعی نیز در تبیین ماهیت آن ابراز شود.

بیشتر اندیشمندان مسلمان که با وجود اختلاف مشارب، اعجاز قرآن را در جلوه هنری آن می جویند، تحدی را به هماوردجویی در نمودن کتابی هنری تر تفسیر کرده اند.

بی مناسبت نیست در مورد تحدی و مطالب فراوان مربوط به آن، قسمتی از تحقیقات سر کار خانم زهره اخوان مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآن منابع دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله« تحدی »، ج ۱۴، ص ۲۶.

۱- عضدالدین ایجی، المواقف، ج ۲، ص ۴۶۵، به کوشش عبدالرحمان عمیره، بیروت، ۱۹۹۷ م.

ص: ۵۱

تهران، را ذیلا بدون تغییر و دست خوردگی در مندرجات آن که می آوریم، مطالعه نمائید.

dr. zo. akhavan gmail. com

مقدمه

قرآن مجید کتابی است استوار و پابرجا بر فراز قدرت ها و علم ها؛ کتابی بی نظیر و بی مانند که خود به یکتایی و بی همتایی خود و نیز آورنده اش دلالت دارد و نیازمند برهان و دلیل نیست. تنها کتابی که کلام خداست و خدا در آن تجلی کرده، و از همین رو کسی نمی تواند مانند آنرا بیاورد، چون خدا در کلامی دیگر تجلی نخواهد کرد. کتابی برای هدایت بشر که توسط آخرین رسول و پیام آور الهی بر مردم خوانده شده است. زبان دارد، ولی زبان علم، که در نهایت فصاحت در عمق جان ها نفوذ می کند، احتجاج می کند، مدح می نماید، هجو می سراید، پند می دهد، می ترساند، بشارت می دهد، تسلیت می دهد، سرزنش می کند، تعلیم می دهد، قضاوت می نماید، مقررات را پایه می ریزد، عبرت

ص: ۵۲

می آموزد، قصه می گوید، و ... بی نظیر بوده و بی نظیر خواهد ماند، و همه جن و انس هم نتوانند مانند آن بیاورند، چون کلام خدای بی مانند است.(۱)

آیات قرآن

[۱]

گواهی می دهد که مردم عصر نزول، به پروردگار عالم ایمان داشته و او را خالق هستی می دانستند، و ضد خدا نبودند، و آیات متعددی تصریح آنان را به وجود خدا با جمله "لَيَقُولُنَّ اللَّهُ "نشان می دهد. [۲] علاوه بر قرآن، تاریخ نیز گواهی می دهد که الله نزد ایشان تنها پروردگار بود، چنانکه سخن ابوجهل در آغاز جنگ بدر بر این مهم دلالت دارد آنجا که دعا کرد: اللَّهُمَ أَقْطَعَنَا لِلرَّحِمِ وَ آتَانَا بِمَا لَا نَعْرِفُ فَأَحِنْهُ الْعَذَابَ، یعنی خداوندا، هر یک

۱- سر کار خانم زهره اخوان مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآن تهران،

ص: ۵۳

از ما دو طرف جنگ، که بیشتر قطع رحم نموده و سخن های غیر معروف گفته، عذاب را بر وی جاری کن. [۳] اما در اعتقاد ایشان شرک وارد شده بود و لذا نبود توحید که لازمه خداپرستی است، ایمان آنان را دچار مشکل می نمود. آنان کارگزارانی برای خدا قائل بودند که نظام هستی را حفظ می کنند. نیز برخی عقاید انحرافی مانند اینکه اگر خدا عقاید ما را نمی پسندید، با قدرت خویش مانع شده و ما را تنبیه می نمود، یا این عقیده که اگر جهان دیگری هم باشد، باز هم ما برخوردار از نعمت الهی هستیم، چون امروز هم بر اساس لیاقت و شایستگی خودمان متنعم هستیم. [۴] بر این اساس تعلیمات الهی بر این محور قرار گرفت که شرک را هدف گرفته و با تخریب مبانی و آثار شرک، نابودی آنرا به ارمغان آورد. به همین سبب است که مفسران و عالمان به درستی موضوع کل قرآن را "توحید محوری "برشمرده اند. به این منظور خداوند با هدف هدایت و با لطف بی انتهائی که به مخلوقاتش دارد قرآن را فروفرستاد و از هر راه و اسلوبی که لازم بود، پیوسته

ص: ۵۴

افکـار غلـط را هـدف قرار داده و پوچی و بی اعتبـاری و کهنگی فلسـفه اعتقـادی آنـان را گوشـزد می نمود. پیوسـته بـا رحمانیت و رحیمیت شـروع به سـخن می نمود، نه بـا دشـمنی و نزاع، و از همـان آغاز و همواره "،رَبّ بودن "خویش را یادآوری می کرد و از همه راهکارهای تهذیب و تربیت استفاده می نمود تا بلکه ایشان هدایت شوند.

با نگاه جامع و "منظومه گونه "به آیاتِ "کلام خدا، "به نظر می رسد در برخی عناوین و اعمالِ منسوب به قرآن، که در سـخن خدا و اولیاء الهی یافت نمی شود، بعلاوه از فرهنگ تربیتی و هدایتیِ قرآن فاصله دارد، باید تجدید نظر نمود.

چکیده:

اشاره

در کتب تفسـیر، کلام و نیز علوم قرآنی، به مناسـبت اعجاز قرآن سـخن از "تحـدّی "به میان می آیـد، که در لغت به معنای "مبارزه طلبی و هماورد جوئی، "و در اصطلاح علوم فوق، به معنای این است که قرآن، همه مشرکان و معاندان را به میدان مبارزه فراخوانده که اگر می توانند

ص: ۵۵

مشابهی بیاورند تا عجز آنان را ثابت کند. در این باب، به پنج آیه استناد می شود، که در ترتیب نزول آنها، چگونگی دلالت آنها بر تحـدی، سـیر نزولی تحـدی، چیستیِ واژگان موجود در آیات فوق) از قبیل سوره، هـذا القرآن، حدیث، مِثل، و غیره (، وجه یا وجوه مورد تحـدی، سیاق آیـات پنجگانه و نیز مسائل دیگر اختلاف شدیـدی به چشم می خورَد. مقاله حاضـر در صـدد اثبات این مطلب است که اساساً قرآن تحـدّی نفرموده، بلکه اسـتدلال کرده و بینه و برهـان ارائه نموده، که هـدف و وظیفه اوست؛ زیرا اگر قرار بود تحـدی صورت بگیرد، طبق تعریفی که غـالب عالمـان برای معجزه ارائه نموده انـد) مقارنٌ لِلتَّحَـدّی (، می بایست این تحـدی مقارن بعثت و دعوت پیامبر ص باشد، نه بعد از نزول پنجاه سوره.

نیز می بایست سیر نزول تحدی مراعات شود، و با توجیهات سست بنیان، این همه اختلاف در آن نباشد.

بعلاوه تحـدی برای اثبات ضـعف مخاطب است در جائی که ضـعف او مورد تردیـد باشد، ولی خداوندی که قدرت و غلبه و تسـلط محض است، برای مخلوقاتی که

ص: ۵۶

ضعف محض هستند، چه نیازی به تحدّی. از همه اینها گذشته اولًا در بسامد واژگان قرآنی ابداً به این واژه بر نمی خوریم و نیز در کلام نبیّ اکرم و اهل بیت گرامی ایشان ع نه تنها خود واژه، بلکه چنین مفهومی دیده نمی شود. ثانیاً این مفهوم اساساً با فرهنگ هدایتی و ارشادی قرآن، هماهنگی و سازگاری ندارد و آیات فراوانی دالّ بر این مدّعاست. از طرف دیگر دقت در سابقه این واژه نشان می دهد که در سه قرن ابتدائی، اثری از آن در بین مسلمانان نبوده و این لغت و مفهوم آن، در قرن سوم، آنهم توسط ادیبان و متکلمان، و نه مفسران و قرآن پژوهان، وارد حوزه قرآن شده و از مفاهیم وارداتی به حساب می آید، و همین بیگانگی و نامأنوسی است که سبب این همه تفرق در آراء و اشکالات متعدد این نظریه می شود. پس چه بهتر، که به سرچشمه قرآن برگردیم.

واژه های کلیدی: اعجاز قرآن، تحدی، سیر نزول، هدایت، علم خدا، فصاحت.

ص: ۵۷

۱- تحدی در لغت

اشاره

تحـدّی مصدر باب تفعّل از ریشه سه حرفی "حدی "می باشد. ابن منظور می گوید ":التَّحَدِّی مِن "حَادَیْتُ فلانا "إذا باریتَه و نازعتَه فی فعلِهِ لِتَغلِبَهُ "یعنی تحـدّی زمـانی گفته می شود که بـا کسـی در عملی مسـابقه بـدهی و منـازعه بنمـایی تـا بر او غلبه یـافته، پیروز شوی ".حـداه و تحـدا خصـمَه "یعنی از دشـمن خواست تـا بـا او مسابقه دهـد. ابن سـیده، طریحی، جوهری و دیگر واژه نویسان هم سخنی بر خلاف معنای فوق نگفته اند، زیرا تحدی، لغتی پر چالش نبوده و در مولّفه های معنایی آن، اختلافی به چشم نمی خورد". ابن فارس "که به اصل واژه ها عنایت ویژه دارد، ریشه "حدا "را به معنای سوق دادن و راندن دانسته و آواز "حدا "برای چهارپایان را نیز به همین معنـا می دانـد، زیرا بـاعث سوق و رانـدن آنـان به مقصـد مورد نظر است. وی برای "تحـدی "همان معنای "منازعه و مسابقه جهت غلبه "را ذکر کرده، و در باره

ص: ۵۸

ارتباط ریشه "حدا "با مصدر مزیدِ "تحدّی "می نویسد:

این مصدر از همان اصل سرچشمه گرفته، زیرا کسی که تحدی می کند گویا طرف مقابل را به کاری که می خواهد سوق داده و می راند. [۵] آنچه در مولفه های معنایی این واژه، بر اساس سخن متخصصان فن قابل توجه است نکات زیر می باشد.

الف: سوق دادن و راندن؛ تحدی کننده، طرف مقابل خود را به سوی دلخواه سوق داده می کشاند. این معنا، به تصریح ابن فارس، معنایی است که اصل لغت بر آن دلالت دارد.

ب: منازعه؛ لغت شناسان متفق هستند تحدی هنگامی تحقق می پذیرد که نزاعی در کار باشد.

ج: دشمنی؛ متحدّی هیچگاه با دوست چنین نمی کند، بلکه شخص مقابل او دشمن است.

د: مسابقه؛ سبقت گرفتنِ متحدّی نیز از مؤلفه های این واژه است و اساساً تحدی به همین دلیل صورت می پذیرد.

ص: ۵۹

ه: غلبه؛ هـدف تحـدی کننده در این منازعه و مسابقه، غلبه بر طرف مقابل، یعنی بر دشـمن است. او دشـمنش را به وادی منازعه می کشاند و سوق می دهد، تا غلبه و برتری خویش را بر او اثبات نماید.

نتیجه آنکه اگر معتقـد به تحدی خداوند باشـیم یعنی اینکه خدا دشـمن مردم است، و خودش ایشان را به سوی این عمل کشانده، و سوق می دهد و به جهت نزاع و مسابقه با آنها وارد میدان منازعه می شود تا پیروزی و برتری خود را ثابت کند.

شرایط تحدی و مبارزه طلبی از نظر عقلی

آنچه مسلّم است و عرف و عقـل نیز بر صـحت آن حکم می نمایـد، انسان ها در تحـدی چهار مبنای مهم را در نظر می گیرنـد. این شرایط، هم از حیث نظری، و هم از حیث عملی، با مراجعه به تاریخ و نیز مبارزه ها در زمان حاضر قابل دست یابی است.

شرط اول: آنکه تحدی کننده در حوزه مورد مهارتش

ص: ۶۰

تحـدی نموده و افرادی را به مبـارزه می طلبـد که در همـان حوزه صـاحب نظرنـد، یا حـدّ اقلّ، ادّعای صاحب نظر بودن دارنـد. مثلا شاعر، دیگر شاعران را، صنعتگر، دیگر صنعتگران را، وزنه بردار، دیگر وزنه برداران را و ...

هیچگاه نمی شود که یک کُشتی گیر، مثلًا، همه مردم شـهر را برای مبارزه دعوت کند، و یا یک خیاط، به جهت اثبات برتری خود، همه بنّاها، غواص ها، و همه نقاش ها را به مبارزه بطلبد، و قس علیهذا. اگر هم کسـی چنین شـرطی را مراعات نکند، هم عُقلا و هم مردم معمولی او را کم خرد شمرده و سرزنش می نمایند.

شرط دوم: آنکه تحـدی کننده، با کسانی تحدی می کند که در زمینه مورد نظر، تا حدودی هم قدّ و اندازه او باشـند و لذا از مبارزه بـا کسـانی که در آن حوزه، محلی از اعراب نیسـتند، نه تنهـا دوری نموده، بلکه کسـر مقـام خود می دانـد. مثلا یک شاعر برجسـته، هیچگاه با یک شاعر نوپا وارد میدان تحدی نمی شود، چه رسد به آنکه خود تحدّی را آغاز نماید. حتی اگر آن شاعرِ تازه کار، پی در پی ادعاهای بزرگ نموده و او را به مبارزه

ص: ۶۱

بطلبد، شاعر برجسته در شأن خود نمی داند که با او هم کلام شود. اگر کسی چنین کند و پیروز هم بشود، مسلماً عاقلان نه تنها چنین پیروزی را به او تبریک نمی گویند، بلکه عملش را تقبیح نموده و خواهند گفت: ابراز قدرت به چند تازه کار ضعیف که هنر نیست.

شرط سوم: سیر نزول در تحدی شرط عقلی است. مثلا اگر یک وزنه بردار با رقیبش تحدی کند، ابتدا از وزنه سنگین آغاز می کند. چنانچه طرف مقابل نتوانست، نرخ را پایین آورده و وزنه را سبک تر می کند و اگر باز هم نتوانست، دگربار کم میکند تا بهر شکل، قدرت و غلبه و چیرگی خود را به وی ثابت نماید. بر این اساس اگر شنیدیم کسی نرخ تحدی را بالا برده، لامحاله نتیجه خواهیم گرفت که رقیبش شکست نخورده، بلکه این متحدی است که در نرخ قبلی طرفی نبسته، و لذا ناچار شده حدّ بیشتری را پیشنهاد نماید.

شرط چهارم: نتیجه تحدی و مبارزه اگر چه قابل پیش بینی است، ولی هرگز به یقین نمی توان گفت پیروزی از آنِ کیست و چه کسی کم می آوَرَد. به هر حال باید

ص: ۶۲

مسابقه تا انتها انجام شود نا نتیجه قطعی به دست آید.

اگر تحدی کننده ای به قطع و یقین، قبل از مبارزه، ادعای پیروزی کرده و شکست خود را محال بشمارد، سرزنش دیگران را برای خود مهیا ساخته است.

۲ "-تحدی "در اصطلاح

تحدی اصطلاحی است که در "علوم قرآنی "ذیل بحث اعجاز، در "تفسیر "ذیل تبیین آیات تحدی، و در "کلام اسلامی "ذیل بحث نبوت خاصه بکار می رود و به معنای هماوردجوئی قرآن کریم در برابر مخالفان و معاندان می باشد. البته در معنای گسترده تر بر هماورد جوئی همه پیامبران، و با هدف اثبات معجزه شان اطلاق می شود. در این معرکه، تحدی کننده، پروردگار دو عالم، رقیب، همه جن و انس، و مورد تحدی، قرآن می باشد. غالب عالمان گفته اند که خدا با کفار تحدی نمود و آنان را به اتیان مانند قرآن دعوت نمود، ولی با آنکه در فصاحت و بلاغت پیشتاز بودند و نیز انگیزه

ص: ۶۳

قوی بر ابطال دعوت پیامبر (ص) داشتند، ولی نتوانستند مشابهی بیاورند. [۶] البته تعدادی از آنان، که "رافعی "نُه نفر را برشمرده ۳ [۷] اقدام به معارضه نمودند ولی عبارات ایشان به قدری سخیف بود که رسوا شدند. [۸]

۳- بسامد قرآنی و روائی واژه "تحدّی"

در هیچیک از آیات قرآن کریم از این واژه اثری نیست.

حتی در مواضعی که اقتضا دارد، و سخن از سبقت به میان آمده، از این واژه استفاده نشده است. لازم به ذکر است که نه فقط کاربرد فعلی، چه مجرد و چه مزید، بلکه در هیچیک از کاربردهای اسمی یا وصفی، ردّ پایی از این واژه به چشم نمی خورد و اساسا در آیات متعددی از مجادله و نزاع کردن نهی شده است. [۹] در روایات پیامبر و اهل بیت مطهرش علیهم السلام نیز همینطور است.

۴- آیات موسوم به "تحدی

"طبق دیدگاه مشهور، قرآن کریم در پنج سوره تحدی

ص: ۶۴

نموده که عبارتند از: آیه ۸۸ سوره اسراء، آیه ۳۸ سوره یونس، آیه ۱۳ سوره هود، آیه ۳۳ سوره طور، و آیه ۲۳ سوره بقره. البته با توجه به مضمون این پنج آیه، آیات مشابه دیگری می توانند در همین حوزه معنایی قرار گیرند، ولی غالبا بر همین تعداد اکتفا می شود.

۵- نگاهی به ترتیب نزول آیات موسوم به "تحدی"

صرف نظر از اینکه قرآن نزول دفعی داشته یا نه، در نزول تدریجی آن شکی نیست. ۱۰ این تدریج، موجب تقدم و تأخر نزول سوره ها بر یکدیگر شده، و علاوه بر تقدم کلیّ سوره های مکی بر مدنی، برای هر گروه ترتیبی نقل شده است. در ترتیب نزول سور قرآن چند گونه نقل موجود است که برخی همه آنها را بی اعتبار می دانند ۴ [۱۱] اگر چه در عمل، بر اساس آنها آیات را مورد بحث قرار می دهند. [۱۲] روایات ترتیب نزول سند تامی ندارند و برخی مقطوعه اند، ولی در مجموع،

ص: ۶۵

همگونی این روایات، و نیز تطابق نسبتا زیاد آنها با حوادث تاریخی مکه و مدینه، می تواند اطمینان آور باشد. [۱۳] اجمالا طبق ترتیبی که در کتاب های مجمع البیان [۱۴] الاتقان ۵ [۱۵] و البرهان [۱۶] آمده، ترتیب سوره های پنجگانه مورد بحث این پژوهش عبارتند از:

۱ اسراء ۲ یونس ۳ هود ۴ طور ۵ بقره

در ترتیب دیگر که از سوی ابن ندیم نقل شده ۶ [۱۷] سوره هود، بعد از یونس ذکر می شود. با پذیرش نقل ابن ندیم، اشکالی که در بحث سیر نزول تحدی، به سبب تقدم سوره یونس بر سوره هود وجود دارد، از بنیان برطرف می شود؛ اما چون اعتبار نقل اول بیشتر است، لذا عالمان بر آن شده اند تا پاسخگوی مشکل موجود در سیر تحدی باشند. لازم به ذکر است که با دیدگاه مقاله حاضر، تفاوت نقل ها در ترتیب نزول مهم نمی نماید.

۶- مروری اجمالی بر مدلول آیات موسوم به "تحدّی"

پنج آیه نظریه مشهور تحدّی را از نظر می گذرانیم:

ص: ۶۶

یک: تحدی به "مثل هذا القرآن "در سوره ۵۰ قرآن) اسراء

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً [۱۸]

دو: تحدی به "سورهٍ مثلِهِ "در سوره ۵۱ قرآن) یونس

أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ [۱۹]

سه: تحدی به "عشرِ سورٍ مثلِهِ مُفتَرَیاتٍ "در سوره ۵۲ قرآن) هود

أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ [۲۰]

چهار: تحدی به "حدیثٍ مثلِهِ "در سوره ۷۶ قرآن) طور

فَلْیَأْتُوا بِحَدِیثٍ مِثْلِهِ إِنْ کانُوا صادِقِینَ [۲۱]

پنج: تحدی به "بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ "در سوره ۸۷ قرآن) بقره

وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ

ص: ۶۷

مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ [۲۲]

۷- وجوه اختلاف در آیات موسوم به "تحدّی"

ص: ۶۸

اگر چه این آیات در برخی جهات تا حدودی مشابهند، مانند جواب کافران و معاندان، اثبات وحیانیت و حقانیت قرآن، وجود واژه "مثل "در همه، امر مستقیم یا غیر مستقیم به آوردن مشابه قرآن؛ اما جهات اختلاف و محل دقت و تأمل در آنها بسیار است، مانند:

وجه اول: مکی بودن چهار آیه و مدنی بودن یکی از آنها، زیرا مورد پنجم از سوره بقره مدنی است.

وجه دوم: در مورد سوم یعنی سوره هود، واژه "مفتَرَیات "بعد از "عَشر سُوَر "آمده که در موارد دیگری به چشم نمی خورد.

وجه سوم: در چهار مورد، قبل از آیه تحدی به انکار منکران تصریح شده، ولی در اولین مورد یعنی سوره اسراء چنین اشاره ای وجود ندارد و قبل از آن مسئله سؤال از روح مطرح شده است.

وجه چهارم: تصریح و یا عدم تصریح به اینکه همانند سازی محال است، چنانچه در مورد اوّل تصریح شده که "لا یأتونَ بمثله "و در مورد پنجم نیز جمله "لَن تَفعلوا "را می بینیم که نفی ابد می نماید، ولی در سه آیه دیگر

ص: ۶۹

چنین نیست.

وجه پنجم: تعدد بیان دراحوال وعاقبت منکران و مخالفان، زیرا در مورد اول اصلا نیامده و در حدّ کنایه است، و در دو مورد بعدی فقط اشاره به اعتقاد غلط آنان شده که از غیر خدا یاری می طلبند) وادعو من استطعتم من دون الله (، و این اشاره را در آیه آخر نیز به گونه ای دیگر می بینیم. همچنین در چهار مورد) غیر از مورد اول (کنایه به کذب و دروغ گویی مشرکان نموده) ان کنتم صادقین (، ولی در مورد پنجم علاوه بر تعریض به کذب ایشان، و نیز اعتقاد غلط به خدایان دیگر، وعده آتش سوزان با شدیدترین بیان آمده است.

وجه ششم: در شمول افراد مورد تحّدی نیز تساوی به چشم نمی خورد. تنها در اولین آیه که طبق قول معروف، اولین مرتبه تحدی است، خطاب به "جن و انس "شده، و تصریح شده که اگر چنین کنفرانس دوجانبه ای با حضور همه تشکیل شود، باز هم نخواهند توانست مثل قرآن بیاورند. در بقیه موارد، سخن از انسان ها خصوصاً منکران عصر رسالت است.

ص: ۷۰

وجه هفتم: تنها در اولین آیه واژه "قرآن "آمده، آن هم با اسم اشاره "هذا. "با توجه با اینکه آیه مورد بحث، بخشی از سوره پنجاهم قرآن است، و هنوز بیشتر قرآن نازل نشده که مورد اشاره قرار بگیرد، مسئله جای تامل است. در سه آیه بعد ضمائری آمده که به قرآن بر می گردد، و در آیه آخر عبارت) مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا

(جایگزین اسم قرآن و نیز ضمیر آن شده است.

وجه هشتم: در اولین و آخرین مورد، اشاره به نوع تکذیب مخالفان نشده، ولی در مورد دوم و سوم به نوع تکذیب آنان تصریح شده که قرآن را "مفتَری "شمرده اند یعنی پیامبر از روی افترا آنرا به خدا بسته است. در چهارمین مورد نیز به نوع دیگری از تکذیب برمی خوریم که منکران گفتند: پیامبر "تقوُّل "کرده است.

اگر چه غالب مفسران و مترجمان، این واژه را نیز مرادف "مفتری "به حساب آورده، و هر دو را "فرابافته "یا "اختَلَقَهُ مِن تِلقاءِ نفسِهِ "معنا کرده اند ۷ [۲۳] ولی به نظر می رسد معنای "تَقوّل "مساوی با افتراء نبوده و با توجه به آیه ۴۴ سوره "حاقّه "شدیدتر از آن است. در هردو

ص: ۷۱

"بستن سخن به دیگری "وجود دارد، ولی تقوّل، به اقتضای باب تفعل بودنش به "برساختن از سرِ زور و چسباندن به دیگری از سرِ گردن کلفتی "تأکید می کند. [۲۴] شیخ طوسی در واژه "تقوّل، "دو مؤلّفه "لاـ یکونُ الّا کِذباً "و نیز "مِن غَیرِ اقتِضاءِ العقل "را مؤثر شمرده است. [۲۵]

وجه نهم: ریشه "اتیان "در همه آیات به چشم می خورد، ولی به یک شکل و صیغه خاص نیست. در سه مورد دوم و سوم و پنجم مشابه، و با صیغه امر حاضر "فَأتوا "آمده، ولی در مورد اول به صورت مصدری با "ان ناصبه "است که پس از تأویل به مصدر، مجرور به "عَلی "شده و به فعل شرط "اجتَمَعَت "متعلق می شود. بر این اساس در آیه اوّل تحدی، ابداً صورت امر یا دعوت به یک فعل و کار دیده نمی شود، بلکه در قالب شرط بیان شده، آنهم شرطی که امکان اجرای آن در جزا منتفی شمرده می شود. در مورد چهارم نیز امر غایب به صورت "فَلیَأتوا "دیده می شود.

وجه دهم: متعلَق یا وجهِ تحدی نیز بسیار جای تأمل

ص: ۷۲

است و در قرون گذشته و نیز عصر حاضر مورد بحث و گفتگو می باشد. غالب عالمان بر فصاحت و بلاغت تأکید نموده اند، اگر چه دلیل واضح ارائه نشده، و نیز برخی "صرفه "را پذیرفته و معتقدند وجه تحدی، صرف و منع همت های منکران از آوردنِ همانند قرآن است. [۲۶] واژه "مثل "در همه آیات تکرار شده، ولی در آیه آخر، بر سر آن حرف جرّ "مِن "آمده که جای بحث و اختلاف نظر بسیاری شده است. واژه مثل به معنای همگونی و هم نوائی دو شی ء با یکدیگر [۲۷] می باشد. [۲۸] نکته قابل توجه و مهم در آیات فوق اینست که مراد خدا، مثلِ چه چیزی از قرآن است.

وجه یازدهم: مرز تحدی مشخص نیست. در مورد اول یعنی ۸۸ اسراء "مثل این قرآن "خواسته شده، و در مورد دوم یعنی ۳۸ یونس و مورد پنجم یعنی ۲۳ بقره آوردن "سوره "مطرح شده، و در مورد سوم یعنی ۱۳ هود "ده سوره، "و در مورد چهارم یعنی ۳۴ طور "،حدیثی "مثل قرآن برای همانند سازی پیشنهاد شده است. [۲۹]

وجه دوازدهم: سیر تحدی نیز جای ت آمل است و

ص: ۷۳

عالمان تنها به این وجه اختلاف در آیات مزبور اهمیت داده اند. ابتدا مثل قرآن خواسته شده، که چون سوره اسراء پنجاهمین سوره قرآن است، شاید مراد پنجاه سوره باشد و شاید همه قرآن. سپس نزول کرده و به یک سوره می رسد. دوباره سیر صعودی یافته و به ده سوره ارتقاء می یابد. از "حدیثی مثل قرآن "که در مورد چهارم ذکر شده و ابهامش بیشتر است بگذریم، دوباره شاهد نزول سیر و آوردن "یک سوره "هستیم. [۳۰]

۸- سیر نزول تحدی در بیان عالمان

چنانکه گذشت ترتیب نزول در آیات موسوم به تحدی جای بحث دارد. مفسران و متکلمان و دانشمندان علوم قرآنی در این باب همداستان نبوده واختلاف نظر گسترده ای بین ایشان دیده می شود، که خود عقلًا حاکی از صحیح نبودن کل نظریه ها، و یا حداکثر، صحت یکی از آنها می باشد. اینک این دیدگاه ها بطور جداگانه مطرح شده و سپس در بخش اشکالات وارده،

ص: ۷۴

یکجا نقد آنها ذکر می شود.

دیدگاه اول: بیان سیر نزول دلخواه، بدون توجه به ترتیب نزول

برخی عالمـان معتقدنـد که سـیر عُقلائی در تحـدی مراعـات شـده، زیرا ابتـدا به تمام قرآن، سـپس به ده سوره، و در نهایت به یک سوره) در دو آیه (تحدی شده است. ایشان "بحدیثٍ مثلِهِ "را اعم دانسته و لذا توجیه خاصی ننموده اند. بر این اساس، آنها با ترتیب نزول مشـهور مخالفت کرده و ترتیب نزول مـذکور در فهرست ابن ندیم را پذیرفته اند که سوره هود را مقدم بر یونس آورده است. زرکشی، زمخشری، و رافعی بر این باورند. [۳۱]

دیدگاه دوم: اعتبار ترتیب مشهور، و اعتقاد به تقدّم نزول یک آیه از سوره هود

این گروه، به عکس گروه اول، ترتیب نزول مشـهور یعنی تقدم سوره یونس بر هود را پذیرفته اند، ولی برای حل اشـکالِ سیر نزول، بدون ارائه هیچ دلیلی، معتقدند فقط آیه) عشر سور (از سوره هود، قبل از سوره یونس نازل

ص: ۷۵

شده است. [۳۲]

دیدگاه سوم: تغییر ترتیب نزول، به جهت اصلاح سیر نزول

برخی از مفسران به منظور برطرف کردن اشکال سیر تحدی، معتقدند حتما به جهت صحت سیر، باید سوره هود بر یونس مقدم باشد و این تقدیم، اشکالی پیش نمی آوَرَد، چرا که حفظ سیر نزول تحدی مهم تر است از حفظ روایات ترتیب نزول. از سخن این عالمان، که فخر رازی یکی از ایشان است ۸ [۳۳] می توان برداشت کرد تئوری ایشان بر سه اصل استوار است: اول آنکه حفظ ترتیب در تحدی لازم است. دوم آنکه اثبات سیر تحدی با وجود مقدم بودن سوره یونس بر هود امکان ندارد. سوم آنکه نمی توان معتقد شد که یک آیه از یک سوره، بدون دلیل محکم، قبل از سوره ای دیگر نازل شده باشد.

دیدگاه چهارم: حذف سوره یونس، برای فرار از اشکال سیر تحدی

برخی عالمان مثل قرطبی [۳۴] بدون توجه به آیه سوره

ص: ۷۶

یونس، ترتیب آیات تحدی را چنین بیان کرده اند: کل قرآن در اسراء، ده سوره در هود، و "حدیث "در سوره طور که می تواند اعم از یک سوره باشد، و در نهایت یک سوره در بقره.

دیدگاه پنجم: اثبات سیر نزولی تحدی، با تغییر جدّی در دلالت آیه سوره هود

این نظریه بر این محور استوار است که "افتراء "در صدر و ذیل سوره هود معنایی متفاوت دارد، زیرا افتراء اول با واقعیت منطبق نیست چون قرآن افتراء نیست، ولی در دوّمی واقعاً مطالبه مطالب دروغ و نادرست شده است.

پس سیر تحدی در سه مرحله صحیح است، چون ابتدا به مجموع قرآن و در همه جهات لفظی و معنوی تحدّی شده، سپس به یک سوره باز در همه جهات، و در مرحله سوم اگر چه از نظر مقدار، شاهد صعود هستیم ولی از حیث جهتِ تحدی نزول چشمگیری صورت گرفته، زیرا از همه جهات تنها به یک جهت یعنی نظم و اسلوب تحدی شده است. صورت پرداز این نظریه، در مورد دو آیه طور و بقره توجیهی ارائه نکرده است. [۳۵]

ص: ۷۷

محققی دیگر همین نظریه را بـا کمی تغییر بیـان نموده و برای مورد چهـار و پنـج نیز توجیهاتی نه چنـدان اسـتوار اضافه نموده است. [۳۶]

دیدگاه ششم: هماهنگی آیات تحدی با جوّآفرینیِ مشرکان، و عدم لزوم سیر نزول

این گروه که نبود ترتیب منطقی را مسـلم گرفته انـد، معتقدنـد سرّ اختلاف در متعلَق تحدی، شـرایط زمانی متعدد، و اقتضای پاسـخ مناسب برای اشکال تراشی های مشرکان است. به عنوان نمونه سید قطب معتقد است در تحدی، حالت منکران در نظر گرفته شده و ترتیب زمانی خاصـی مـدّ نظر نبوده است، زیرا تحدی نسـبت به نوع قرآن است نه به مقدار آن، و در عجز معاندان، مجموعه قرآن با یک سوره یا ده سوره آن مساوی است. [۳۷]

دیدگاه هفتم: کفایت اثبات هدف تحدی، حتی با وجود اختلاف متعلَق تحدی

گروهی معتقدند هدف اساسی تحدی، اثبات برتری نظم قرآن بر کلام عرب است، و این مهم اثبات شده،

ص: ۷۸

حال چه با تحدی به یک سوره، یا ده سوره، یا همه قرآن. این گروه که طبرسی از ایشان است ۹ [۳۸] اشکالی در تحدّی به اقلّ یا اکثر نمی بینند.

دیدگاه هشتم: نبود تفاوت محتوائی بین دو واژه "قرآن "و "سوره"

برخی مانند نویسندگان تفسیر نمونه، ضمن اینکه نیازی به اثبات ترتیب برای تحدی نمی بینند، معتقدند سوره در اصل به معنای محدوده و مجموعه است [۳۹] و بر مجموعه ای از آیات دلالت دارد، چه این مجموعه بین دو بسم الله واقع شده باشد) و سوره به معنای مصطلح امروزی شود (و چه نباشد. واژه قرآن نیز می تواند هم به معنای همه قرآن باشد و هم بخشی از آن. [۴۰] پس هم می تواند بر یک سوره اطلاق شود و هم بر چندین سوره. لذا تحدی به کل قرآن، مفهومش تمام قرآن نیست که لازمه اش اثبات سیر نزول از زیاد به کم باشد. [۴۱]

دیدگاه نهم: تبیین سیر نزول بر این اساس که وجه تحدی، قصص قرآن است

ص: ۷۹

برخی معتقدند که سیر تحدی از کل قرآن به یک سوره مراعات شده، و مراد از "عشر سور "سوره های مشخصی است و آن، ده سوره ماقبل سوره هود می باشد. بر این اساس، تحدی با ده سوره مشخص، از سیر تحدی جدا شده و با تحدی به یک سوره نامعلوم تفاوت دارد، و لذا ناقض سیر تحدی نمی شود. [۴۲]

دیدگاه دهم: حذف آیه سوره اسراء از سیر نزول، و تأکید به تحدی بر "قصص "و بر "آورنده قرآن"

این دیدگاه که از حیث معتبر دانستنِ وجهِ تحدی مانند نظر نهم است، از جهاتی با آن تفاوت دارد. تئوری پرداز آن رشید رضا، که به اعتقاد قرآن شناس معاصر، دچار تکلف شده ۱۰ [۴۳] معتقد است که اساساً آیه ۸۸ سوره اسراء را نباید از آیات تحدی شمرد، زیرا "امر "به مشابه سازی نشده است. لذا چهار آیه را ناظر به تحدی می شمرد، و در باره سیر نزول تحدی معتقد است که نخستین مورد، یعنی آیه ۳۸ سوره یونس، درخواست آوردن یک سوره از قرآن است با رعایت همه جهات، از قبیل شمول بر غیب، عدم تناقض، بلاغت و ...؛ سپس

ص: ۸۰

دعوت به آوردن ده سوره، ولی با قید شمول بر بلاغت و آوردن یک معنا با الفاظ و اسلوب های متعدد مثل قصه های قرآن؛ و بعد از آن بـا آیه سوره طور و لفظ "حـدیث "تحـدی به کـل قرآن بـا رعـایت همه جهات اعجاز؛ و در نهایت با آیه ۲۳ بقره، تحدی به همانند سوره ای با رعایت همه وجوه اعجاز، اما از شخصی چونان پیامبر (ص). [۴۴]

دیدگاه یازدهم: عدم لزوم سیر تحدی و اعتقاد به تعدد اغراض در "عشر سور"

در این نظریه لزومی به توجیه سیر تحدی نشده، ولی در مورد "عشر سور "بیانی جدید مطرح گردیده است.

علامه طباطبایی، ضـمن اینکه تقـدم سوره یونس را بر هود می پـذیرد، این نظریه را چنین صورت بنـدی می کنـد که هر آیه تحدی، غرض خاص خود را دارد. در سوره یونس به آوردن یک سوره دعوت می کنـد و سـپس به ده سوره و سـپس به "حـدیث "که می تواند از یک سوره هم کمتر باشد. سرّ دعوت به ده سوره این است که دربردارنده فنون مختلف از هدف ها، و تنوع در

ص: ۸۱

غرض ها می باشد، که تصادفی نتوان مانند آن آورد.

تحدی به جمیع قرآن نیز از همین دریچه است، یعنی کتابی بیاورید مانند قرآن که دربردارنده همه اهداف هدایتی و همه اغراض الهی، با تفنن در بیان و کثرت در اسلوب باشد. ایشان ضمن یادکرد آیه "فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ [۴۵ "]و تأکید بر آن، معتقد است دلیل عدم توانائی بر همانند سازی آن است که خدا قرآن را به علم خود نازل نموده و کسی بر علم غیب خدا دسترسی ندارد مگر آنکه خدا بخواهد. وی بر آن است که وجه تحدی نمی تواند فصاحت و بلاغت باشد، چرا که مخاطب تحدی غیر اعراب هم هستند. [۴۶]

دیدگاه دوازدهم: پیوند بین وجه تحدی، و مفاهیم سوره مشتمل بر آیه تحدّی

مفسری معاصر معتقد است وقتی به یک سوره تحدی شد، فقط اقامه برهان بر توحید شده بود، لذا یک سوره کافی بود. اما آنجا که تحدی به ده سوره می شود، مردم سرکشی ها و گردن فرازی ها را آغاز کردند و ادعا نمودند

ص: ۸۲

که می توانند مثل آن بیاورند و لذا مناسب با این مقامِ کثرت، تکثیر در تحدی است. [۴۷]

دیدگاه سیزدهم: اقامه برهان لِمی با تأکید بر "آورنده قرآن "در وجه تحدی

مفسر معاصر دیگری ضمن پافشاری بر جریان قانون علیّت در همه مخلوقات حتی در کتب آسمانی و معجزات، معتقد است ارسال رسل و معجزات انبیاء مستقیماً بر اراده پروردگار متوقف نیستند، بلکه معلول علت خود می باشند. وی که صرفه را نیز با همین استدلال مردود می شمارد، نزول وحی را با عناصر تکوینی و ویژگی های شخصیتی در جوهر وجود پیامبر (ص) مرتبط می داند. ایشان معتقد است چون شرایط و زمینه های نزول قرآن، هرگز در انسان دیگری حاصل نخواهد شد، لذا قرآن با صدای بلند تحدی نموده و ندای "مِن مِثلِهِ "سر می دهد و مردم معاصر بعثت اگر اندکی به احوال شخصی خود دقت می کردند، هرگز ادعای آوردن مثل قرآن ننموده و خود را مفتضح نمی ساختند. پس معجز بودن قرآن به این

ص: ۸۳

سبب است که علل و اسباب آن در شخص دیگری یافت نمی شود و این نوع استدلال، برهان لِمّی است که بر برهان انّی برتری دارد و اقواست. با این وجود دیگر نیازی به برهان انی و ملاحظه فصاحت و بلاغت و الفاظ و معانی و حکمت ها و سایر امور اینچنینی نیست. [۴۸]

دیدگاه چهاردهم: تکیه و تأکید بر وجه فصاحت در تحدی، و محال بودن غیر آن

قرآن پژوه معاصر عرب معتقد است معارضه و نظیرآوری در دوره جاهلیت مرسوم بوده و شعرا و خطبای ایشان در قصائد و خطب خویش به جهت شهرت و بلندنامی تحدّی نموده و از دیگران می خواستند تا نظیر یا بهتر از آن را بیاورند. از همین رو قرآن نیز ابتدا به کل، و سپس به ده سوره و یک سوره تحدی نمود. وی با اصرار در صدد تأکید بر وجه نظم و بیان در تحدی است زیرا از نظر او قرآن آنچنان ویژگی داشت که هر کس می شنید، می فهمید که از سنخ کلام بشر نیست، فقط در جهت نظم و بیان مردد بودند و

ص: ۸۴

گمان می کردند که آوردن مثل آن ممکن است. به اعتقاد وی در تحدی مسائل دیگر از قبیل اخبار غیبی، دقائق تشریع، شگفتی های آفرینش، رموز خلقت، و مانند اینها، که گاه قرن ها بعد دست بشر بدان رسیده مورد توجه نبوده و رسول اکرم از عرب آنروز نمی خواست که با غور در این مسائل، به اصالت وحی و در نتیجه به نبوت ایشان ایمان بیاورد، زیرا همان نظم کافی بود تا بدانند که کلام بشر نیست. پس هرگز تحدی به معانی و مفاهیم قرآن نشده، بلکه خواسته شده تا همان معانی و اغراض خود را به مثل فصاحت قرآن بیاورند، و امور پیش گفته همگی از این تحدی متمایزند. [۴۹]

۹- وجه تحدی در بیان عالمان

علاوه بر اختلاف در سیر تحدی و لزوم یا عدم لزوم سیر نزولی، اختلاف عالمان مختص به این مطلب نیست، بلکه در وجه مورد تحدی نیز تشتت و تفرق شدیدی به چشم می خورد، چنانکه تا حدودی در بخش گذشته به

ص: ۸۵

این آراء اشاره شـد. بسیاری از عالمان، تنها جهت تحدی را فصاحت و بلاغت می دانند. برخی دیگر این وجه را از شأن کتاب خدا به دور دانسـته و معـارف و حکمت هـا را وجه تحـدی به حسـاب می آورنـد، و انحصـار اعجاز قرآن را در فصاحت، از راهکارهای غاصبان خلافت می دانند، که برای مخفی کردن وجه اصلی اعجاز بکار برده اند، تا مردم را از اهل بیت علیهم السلام دور نمایند ۱۱ [۵۰] و برخی دیگر فقـط الفـاظ را، برخی الفـاظ بـا نظم و اسـلوب را و برخی الفـاظ توأم با معانی را، و برخی علم الهی را، و برخی مجموعه صفات قرآن را و برخی آورنده قرآن را، و برخیمسائل عرفانی و معنوی قرآن ر [۵۱] ا. طرح و نقد این موارد گسترده تر از آنست که این مقـال، مجال دارد ۱۲ [۵۲] به طوری که قطب راونـدی با آنکه کتابش را با هدف اثبات معجزات، نوشـته ولی باز هم جـایی برای ذکر این همه اختلاـف ندیـده و می گویـد: اگر مـا نصـف آنچه را متکلمـان در این بـاب آورده انـد را بیـاوریم، کتـاب طولانی می شود. [۵۳] گر چه در بخش نقدها اشاراتی به آنها خواهد آمد.

ص: ۸۶

منابع: تحقیقات سرکار خانم زهره.

[۱] سبأ/ ۳۷؛ زمر/ ۳؛ و ...

[۲] مانند: عنکبوت/ ۶۱ و نیز ۶۳؛ لقمان/ ۲۵؛ زمر/ ۳۸؛ زخرف/ ۹ و نیز ۸۷.

[۳] طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵ ص ۹۶؛ فیض کاشانی، ملا- محسن، الصافی، ج ۵ ص ۲۲۴، حویزی عروسی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۵ ص ۴۱۲؛ مشهدی قمی، محمد، کنز الدقائق، ج ۱۳ ص ۴۳۰؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲ ص ۶۵۶؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۴ ص ۲۲۹ و ...

[۴] تفصیل بحث را ببینید در: بهبودی، محمدباقر، معجزه قرآن و مبارزه با فلسفه شرک، ص ۲۷ تا ۵۰.

[۵] ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، ص ۲۳۴.

[۶] ر. ك: میرمحمدی، بررسی چند اصطلاح علوم قرآنی، مجله مقالات و بررسی ها، زمستان ۷۱ و بهار ۷۲، شماره ۵۳ و ۵۴.

[۷] رافعی، اعجاز القرآن، ص ۱۴۱.

[۸] دلائل اینکه نتوانستند مثل قرآن بیاورند را ببینید در: طبرسی، اعلام

ص: ۸۷

الوری، ص ۲۲؛ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳ ص ۹۷۳ تا ۹۸۰.

[۹] انفال/ ۴۶ و حج/ ۶۷ و ...

[۱۰] ر. ک: حجتی، سید محمد باقر، تاریخ قرآن کریم، ص ۴۶ به بعد.

[۱۱] طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۸۶.

[۱۲] طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰ ص ۱۶۲ و مواضع دیگر ذیل آیات موسوم به تحدی.

[۱۳] قاضی زاده، کاظم، بررسی سیر نزولی تحدی در قرآن، مجله پژوهش های قرآنی، شماره ۳، ص ۲۰۲.

[۱۴] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰ ص ۴۰۵.

[۱۵] سیوطی، عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۸۰.

[۱۶] به نقل از سیوطی.

[۱۷] ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۵.

[۱۸] اسراء/ ۸۸. ترجمه: بگو: اگر جن و انس گرد آینـد تا هماننـد این قرآن را بیاورند نمی توانند همانند آن را بیاورند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند.

[۱۹] یونس/ ۳۸. ترجمه: می گویند که آن را به دروغ به خدا نسبت می کند. بگو: اگر راست می گویید، جز خدا هر که را که می توانید به

ص: ۸۸

یاری بخوانید و سوره ای همانند آن بیاورید.

[۲۰] هود/ ۱۳. ترجمه: یا آنکه می گویند که از خود برمی بافد و به دروغ به خدا نسبتش می کند. بگو: اگر راست می گویید، جز خدا هر که را که توانید به یاری بطلبید و ده سوره مانند آن به هم بربافته، بیاورید.

[۲۱] طور/ ۳۴. ترجمه: اگر راست می گویند، سخنی مانند آن بیاورند.

[۲۲] بقره/ ۲۳ ترجمه: و اگر در آنچه بر بنده خویش نازل کرده ایم در تردید هستید، سوره ای همانند آن بیاورید و جز خدای همه حاضرانتان را فراخوانید اگر راست می گویید.

[۲۳] ملا محسن فیض کاشانی، الصافی، ج ۵ ص ۸۱؛ مشهدی قمی، کنز الدقائق، ج ۱ ص ۴۵۹؛ مجلسی، محمد باقر، ج ۹ ص ۱۵۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱ ص ۵۷۵ و ...

[۲۴] ر. ك: انوار درخشان، ج ۱۵ ص ۵۰۵؛ اطیب البیان، ج ۱۲ ص ۳۰۷؛ التحریر و التنویر، ج ۲۹ ص ۱۳۵.

[۲۵] طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۱۴.

[۲۶] ر. ك: میرمحمدی، ابوالفضل، تحدی و صرفه، مجله مقالات و بررسی ها، زمستان ۷۱ و بهار ۷۰، شماره ۵۱ و ۵۲، ص ۳.

[۲۷] ابن فارس، مقاییس اللغه، ج ۵ ص ۲۹۶.

[۲۸] این واژه در قرآن ۴۹ بار بدون حرف تعریف "ال "و دو بار با آن و

ص: ۸۹

نیز در صیغه های دیگر بکار رفته است. جهت اطلاع بیشتر ر. ک ":مثل و مَثَل در لغت و قرآن "از جعفر سبحانی، مجله درس هائی از مکتب اسلام، مرداد ۷۹، شماره ۵، ص ۹.

[۲۹] ر. ک: نصیری، علی، مرز تحدی، مجله اندیشه حوزه، تابستان ۱۳۷۵ ش، شماره ۵.

[۳۰] ر. ک: قاضی زاده، کاظم، بررسی سیر نزولی تحدی در آیات قرآن، مجله پژوهش های قرآنی، پاییز ۱۳۷۴، شماره ۳.

[۳۱] به ترتیب: زرکشی، محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲ ص ۱۱۰؛ زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲ ص ۳۴۷؛ رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، ص ۱۹۶.

[۳۲] ر. ک: مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۹ ص ۴۳؛ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱۰ ص ۱۶۴.

[۳۳] فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۷ ص ۱۵۴.

[۳۴] قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱ ص ۷۷.

[۳۵] فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، ص ۳۸.

[۳۶] قاضی زاده، کاظم، بررسی سیر نزولی تحدی در آیات قرآن، ص ۲۲۳.

ص: ۹۰

[۳۷] سید قطب، محمد، فی ظلال القرآن، ج ۴ ص ۱۸۶۱.

[۳۸] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶ ص ۱۴۷.

[۳۹] ر. ک: عزت دروزه، تفسیر الحدیث، ج ۳ ص ۴۷۱؛ معارف، مجید، درآمدی بر تاریخ قرآن، ص ۱۳۷.

[۴۰] چرا که مشرکان می گویند: انا سمعنا قرآنا عجباً و مسلما آنان قسمتی از قرآن را شنیده بودند.

[۴۱] مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۲ ص ۴۳.

[۴۲] این قول از ابن عباس نقل شده است و شاید به طور مستقیم، ناظر بر تبیین سیر تحدی نباشد ولی فخر رازی آنرا ذیل بحث تحدی ذکر می کند. ر. ک: فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۷ ص ۱۵۶.

[۴۳] مهدوی راد، محمدعلی، جزوه درسی اعجاز قرآن مقطع ارشد، ص ۱۷.

[۴۴] رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم) المنار (، ج ۱ ص ۱۹۲، ج ۱۱ ص ۳۶۹، ج ۱۲ ص ۳۱ و ۴۴. نظراتش در سه سوره بقره و هود و یونس پراکنده است.

[۴۵] هود/ ۱۴. ترجمه: پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که قرآن به علم خدا نازل شده و نیز هیچ خدایی جز او نیست. آیا تسلیم می شوید؟

[۴۶] دیدگاه علامه را که خیلی خلاصه مطرح شد ببینید در: المیزان

ص: ۹۱

ج ۱۰ ص ۱۶۳ به بعد و ج ۱ ص ۱۶۷.

[۴۷] قاسمی، جمال الدین، محاسن التأویل، ج ۹ ص ۱۱.

[۴۸] خمینی، مصطفی، قول به صرفه از دیدگاه آیت الله مصطفی خمینی در باره تحدی قرآن، مجله معرفت، شماره ۳۵، ص ۷۳ تا ۷۷.

[۴۹] شاکر، محمد بن محمود، مداخل اعجاز القرآن، ص ۲۰.

۵۰] غلامی، اصغر، اعجاز و تحدی از دیدگاه آیت الله میرزا مهدی اصفهانی، مجله سفینه، زمستان ۸۷،

شماره ۲۱، ص ۵۵ تا ۸۶.

[۵۱] عابدی، احمد، نگرش امام خمینی به اعجاز قرآن، مجله شیعه شناسی، تابستان ۸۵، شماره ۱۴، ص ۴۰.

[۵۲] تفصیل را ببینید در: معرفت، محمدهادی، التمهید، جلد چهارم؛ الطراز فی اسرار البلاغه و حقایق الاعجاز، ج ۳.

[۵۳] قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳ ص ۹۷۳.

ص: ۹۲

تعدادی از پیشگوئی های قرآن مجید

اشاره

قرآن کریم، کتابی حکیمانه است ویکی از آثار حکمت آن، شیوه نزول تدریجی این کتاب آسمانی است. این کتاب، گرچه درنزول دفعی، یکجا برآسمان دنیا یا قلب پیامبر نازل گردیده است، امّا در نزول تدریجی، آیات آن در ۲۳ سال بر پیامبر

صلی اللّه علیه و آله نازل شد. یکی از حکمتهای نزول تدریجی قرآن، حضور وحی الهی در حوادث جامعه و شیوه تربیت تدریجی قرآن نسبت به مسلمانان و تنظیم چگونگی مباحثات و مناظرات میان پیامبر صلی اللّه علیه و آله و معاندان بوده است. همچنین اعلان روشن و تفصیلی بعضی از محرمات، در مراحل مختلفی انجام پذیرفته است. بعضی از احکام واجب نیز پس از گذشت سالیان زیادی از بعثت، به جامعه ابلاغ گردیده است. وجود نمونه های فوق، نشانگر حکمت ترتیب نزول آیات در زمانهای معین است.

ص: ۹۳

در اینجا به چند پیش گوئی قرآن کریم که یکی از معجزات مهم آن محسوب می شود اشاره می کنیم و طالبین بیشتر و مفصل را به کتاب «اسلام فراتر از زمان» از تألیفات مؤلف این کتاب ارجاع می دهیم.

۱- پیش گوئی قرآن از سرنوشت ابولهب

سوال: قرآن سرنوشت ابولهب را چگونه پیش گوئی کرده است؟

پاسخ: قرآن در آیات سوره تبّت سخن از یکی از مشرکان معروف مکه یعنی ابولهب، عموی پیامبر و فرزند عبدالمطلب به میان آمده است، او تنها کسی است از مشرکان مکه که نامش در قرآن مجید آمده، و تأکید شده که او حتماً از دوزخیان است، و اشاره روشنی است به این که او هرگز ایمان نخواهد آورد، می فرماید:) بریده باد هر دو دست ابولهب و مرگ بر او باد!* هرگز مال و ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید* و به زودی وارد آتشی شعله ور و پر

ص: ۹۴

لهیب می شود (؛» تَبَّتْ یَدا أَبِی لَهَبٍ وَ تَبَّ* ما أَغْنی عَنْهُ مالُهُ وَ ما کَسَبَ* سَیَصْلی ناراً ذاتَ لَهَبٍ «.

بـا این که ابوسـفیان دشـمن خطرنـاک تری بود؛ ولی سـرانجام به ظاهر ایمان آورد و افراد جنایت کاری همچون وحشـی قاتل حمزه ظاهراً ایمان آوردند.

بنـابراین پیش گـویی قـاطع دربـاره سـرنوشت فردی همچـون ابولهب از طرق عـادی ممکن نبود و این پیش گویی قرآن جز از طریق اعجاز ممکن نیست.

بسـیاری از مشـرکان مکه واقعـاً و بعضـی ظـاهراً ایمـان آوردنـد. امـا از کسانی که نه در واقع و نه در ظاهر ایمان نیاوردنـد ابولهب و همسـرش ام جمیل خواهر ابوسـفیان بود؛ و قرآن در این سوره آشکارا خبر داده است که این دو هرگز ایمان نخواهند آورد و این از خبرهای غیبی قرآن مجید است.

اگر قرآن از سوی خداوند نبود چگونه ممکن بود با این صـراحت از دوزخی بودن کسی سخن بگوید که ممکن است در پایان کار به صفوف مسلمانان بپیوندد و حدّاقل ظاهراً مسلمان شود.

ص: ۹۵

نـام ابـولهب: عَبْـد العُزّی، و کنیـه او ابـولهب است و انتخـاب این کنیه برای او شایـد از این نظر بـوده که صـورتی سـرخ و برافروخته داشت. شکی نیست که این آیات در زمان حیات ابولهب نازل شد و لذا می گوید:

) بریـده بـاد هر دو دست ابولهب (؛» تَبَّتْ یَـدا أَبِی لَهَبٍ «شأن نزول هایی که غالب مفسـران نقل کرده انـد نیز نشان می دهـد که این مسـأله در حیـات او واقع شـده در آن هنگـام که پیغمبر اکرم) صـلی الله علیه وآله (مأمور شـد خویشاونـدان نزدیک خود را به سوی اسلام دعوت کند و از شرک و کفر بیم دهد. در آن هنگام که پیامبر بر فراز یکی از کوه های مکه) کوه صفا (رفت و فریاد زد:

» یاصَـباحا «این جمله ای بود که هنگام هجوم غافل گیرانه دشمن گفته می شد اهل مکّه تصوّر کردند دشمنی از بیرون به مکه حمله می کنـد وقتی دور پیامبر جمع شدنـد فرمود:» انّی نذیر لکم بین یدی عذاب شدید «؛) من شـما را در برابر عذاب شدید الهی بیم می دهم (.) و از پرستش بتها بر حذر می دارم و به سوی توحید دعوت می کنم (.

ص: ۹۶

ابولهب سخت بر آشفت و گفت:» تَبّا لَکَ اما جَمَعْتَنا الّا لِهذا «؛) مرگ بر تو باد آیا فقط برای همین ما را جمع کردی؟ (اینجا بود که آیات فوق نازل شد و گفت: مرگ بر تو باد که سرانجام طعمه آتش دوزخ می شود.(۱)

۲- پیش گوئی قرآن از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر

سوال: قرآن جریان جنگ بدر را چگونه پیش گوئی کرده است؟

پاسخ: قرآن در آیات ۷ و ۸ سوره انفال سخن از یک وعده صریح پیروزی به مؤمنان داده می فرماید:) و] به یاد آرید [هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که

۱- این شأن نزول را بسیاری از مفسّران و مورّخان با تفاوت هائی نقل کرده اند) تفسیر مجمع البیان، قرطبی، مراغی، فخر رازی، درالمنثور، فی ظلال، ذیل آیات مورد بحث و همچنین کامل ابن اثیر، جلد ۲ صفحه ۶۰).

ص: ۹۷

یکی از دو گروه] کاروان تجاری، یا لشکر مسلح قریش [نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می داشتید که کاروان] غیر مسلح [برای شما باشد؛ ولی خداوند می خواهد حق را با دستورات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند؛] از این رو شما را برخلاف میلتان، با لشکر قریش درگیر ساخت وَ إِذْ یَعِدُکُمُ اللَّهُ إِحْدَی الطَّائِفَتَیْنِ أَنَّها لَکُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَیْرَ ذاتِ الشَّوْکَهِ تَکُونُ لَکُمْ وَ یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ «.(۱)

سپس می افزاید:) تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هرچند مجرمان کراهت داشته باشند (؛» لِیُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُبْطِلَ الْباطِلَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ «(۲).

توضیح این که: به گفته مورخان ابوسفیان بزرگ مکّه و رئیس مشرکان با کاروان بزرگی که حدود پنجاه هزار دینار اموال تجارتی با خود داشت و مربوط به جمعی از(۳)

تحدی یا دعوت بمقابله بمثل ؛ ص۹۸

۱- سوره انفال، آیه ۷.

۲- سوره انفال، آیه ۸.

۳- امینی گلستانی، محمد، تحدی یا دعوت بمقابله بمثل، ۱جلد، [بی نا] - [بی جا] - [بی جا]، چاپ: ۱.

ص: ۹۸

بزرگان مکه و خودش بود از شام باز می گشت.

پیامبر اسلام) صلی الله علیه وآله (به یاران خود دستور داد آماده حمله به کاروان شوند و با مصادره اموال دشمن که لحظه ای از مخالفت و کارشکنی دست بر نمی داشتند بخشی از قدرت اقتصادی آنها را در هم بشکنند.

یاران ابوسفیان در مدینه که از این جریان آگاه شدند موضوع را به او رساندند. او پیکی با شتاب به مکه فرستاد و آنها را از خطر بزرگی که سرمایه های آنان را تهدید می کرد آگاه ساخت. در مدت کوتاهی ۹۵۰ نفر از رزمندگان و سران قریش با هفتصد شتر و یکصد رأس اسب با فرماندهی ابوجهل به حرکت در آمدند و مسأله تا آن حد جدّی تلقی شد که سران مکه تهدید کردند کسانی که بتوانند به میدان روند و خودداری کنند، خانه های آنها را ویران خواهیم ساخت.

از سوی دیگر ابوسفیان برای رهایی از چنگ مسلمانان مسیر خود را تغییر داد و از بی راهه حرکت کرد تا خود را از منطقه خطر دور سازد.

ص: ۹۹

پیامبر اسلام) صلی الله علیه وآله (با ۳۱۳ نفر از یاران خود، با ساز و برگ جنگی مختصر ولی دل هایی مملو از ایمان و عزم و اراده به نزدیک سرزمین بدر که یکی از منزلگاه های نزدیک میان مکه و مدینه بود رسیدند. در اینجا بود که پیامبر) صلی الله علیه وآله (از حرکت لشکر نیرومند قریش از مکه به سوی مدینه آگاه شد و با یاران خود به مشورت پرداخت که آیا کاروان تجارتی را تعقیب کنند یا در مقابل لشکر دشمن بایستند؟ گروهی موافق مقابله با دشمن بودند ولی جمعی دیگر در باطن مایل به تعقیب کاروان بودند، چرا که آمادگی کافی را برای مقابله با سپاه نیرومند دشمن در خود نمی دیدند.

ولی پیامبر اسلام) صلی الله علیه وآله (راه صحیح را انتخاب فرمود و فرمان حرکت به سوی دشمن را داد و لشکر کوچک اسلام به سرزمین بدر رسید) بدر نام چاهی است در آن سرزمین که به نام صاحب اصلی آن نامگذاری شده و سپس تمام آن سرزمین را بدر گفتند (.

آیه فوق ناظر به این ماجرا است می گوید: خدا به شما وعده داده بود که یکی از این دو طایفه) لشکر قریش یا

ص: ۱۰۰

کاروان تجارتی آنها (از آن شما خواهد بود ولی شما دوست می داشتید طایفه غیر مسلح یعنی کاروان تجارتی قریش برای شما باشد اما خدا می خواهد حق را آشکار سازد و ریشه کافران را برکند.

به هر حال پیامبر) صلی الله علیه وآله (در اینجا به مسلمانان فرمود: خداوند به من وعده داده است که یکی از این دو طایفه از آن ما خواهد بود ما به سوی لشکر دشمن می رویم و بر آنها پیروز خواهیم شد؛ گویا محل کشته شدن ابوجهل و ... را با چشم خود می بینم.

این وعده همان گونه که خداوند به پیامبرش وعده داده بود تحقق یافت. دو لشکر در برابر هم قرار گرفتند و پس از جنگ پرهیجان و پرتلفاتی که روی داد که شرح آن در تواریخ اسلام آمده است؛ مسلمانان پیروز شدند و مشرکان مکه شکست سختی خوردند بطوری که هفتاد نفر کشته و هفتاد نفر اسیر دادند و بقیه فرار کردند.

این جنگ در روز هفدهم ماه مبارک رمضان در سال دوم هجرت واقع شد و اثر بسیار عمیقی در تاریخ اسلام بخشید بطوری که مبارزان بدر، همیشه آن را از

ص: ۱۰۱

افتخارات بزرگ خود می شمردند.

در اینجا این سؤال مطرح است که طبق موازین عادی آیا هرگز چنین پیروزی برای مسلمین قابل پیشبینی بود؟

مسلماً نه زیرا:

اولا: مسلمانان به قصد نبرد حرکت نکرده بودند و طبعاً نفرات و عدّه کافی نداشتند؛ بلکه آنها به قصد تصّرف قافله حرکت کردند که ناگهان با لشکر انبوه و مجهّز قریش) البته در مقیاس آن زمان (روبرو شدند.

ثانیاً: از نظر موازنه قوا مسلمانان به ظاهر در وضع بسیار بدی قرار داشتند به طوری که تعداد سربازان دشمن تقریباً بیش از سه برابر مسلمین بود و اسب ها و شترهای فراوان و ابزار جنگی کافی داشتند در حالی که در میان مسلمانان فقط دو نفر اسب سواری داشتند و مرکب عمده آنها تعداد هفتاد شتر بود که هر چند نفر به تناوب سوار یکی از آنها می شدند.

ثالثاً: در میان لشکر قریش افراد جنگجو فراوان بودند و انگیزه جنگ در میان آنها بود زیرا نه تنها اموال و ثروت، بلکه همه چیز خود را در خطر می دیدند.

ص: ۱۰۲

ولی علی رغم همه اینها، طبق صریح آیه فوق وعده پیروزی به آنها داده شده بود و پیامبر) صلی الله علیه وآله (نیز تأکید فراوان بر آن می نمود. (۳)

۳- پیش گوئی قرآن از غلبه روم بر ایران

سوال: غلبه روم بر ایران چگونه بر اعجاز قرآن دلالت دارد؟

پاسخ: خداوند در سوره روم آیات ۱ تا ۶ خبر از شکست رومیان می دهد و می گوید:) رومیان شکست خوردند (؛ «غُلِبَتِ الرُّومُ.»

پس از محل این حادثه سخن به میان می آورد، می گوید:)] و این شکست [در سرزمین نزدیکی رخ داد (؛» فِی أَدْنَی الْأَرْضِ «و منظور از آن همان اراضی شام است) منطقه ای میان بَصْرِی و اذْرُعات (که قلمرو روم شرقی بود، منطقه نزدیکی نسبت به ساکنان شبه جزیره عربستان محسوب می شد.

این جنگ به گفته مورّخان امروز، در دوران خسرو پرویز

ص: ۱۰۳

واقع شد و یک دوران جنگ طولانی میان ایرانیان و رومیان بود که در حدود سنه ۶۱۷ میلادی دو سردار معروف ایرانی به نام شهربراز(۱) و شاهین، به قلمرو روم شرقی حمله کردند و به آنها شکست سختی دادند و منطقه شامات و مصر و آسیای صغیر را مورد تاخت و تاز قرار دادند. امپراطوری روم شرقی را که گرفتار شکست سختی شده بود تا آستانه انقراض پیش بردند و به این ترتیب ایرانیان تمام متصرّفات آسیایی او را به ضمیمه مصر تسخیر کردند. این واقعه در حدود سال هفتم بعثت پیامبر) صلی الله علیه وآله (در مکه اتفاق افتاد.

مشرکان مکه و دشمنان اسلام، از این ماجرا خوشحال شدند. مشرکان مکه این حادثه را به فال نیک گرفتند و دلیل بر حقّانیت آیین شرک شمردند و گفتند: ایرانیان

۱- نام او فرّخان فرمانده ایرانی که در زمان خسرو پرویز باروم جنگید و مصر رادر سال ۶۱۶ میلادی تسخیر کرد) لغت نامه دهخدا، ماده شهر براز(

ص: ۱۰۴

مجوسی اند و مشرک) دوگانه پرست (اما رومیان مسیحی اند و اهل کتاب، همان گونه که ایرانیان بر رومیان غلبه کردند، پیروزی نهایی نیز از آن ما مشرکان است. طومار زندگی محمّد) صلی الله علیه وآله (به زودی پیچیده خواهد شد و آیین ما پیروز می شود.

اگر چه این گونه نتیجه گیری ها و فال زدن ها هیچ پایه منطقی نداشت؛ ولی در جو آن محیط، برای تبلیغ در میان مردم نادان بی اثر نبود؛ لذا امر بر مسلمانان گران آمد.

قرآن در تعقیب آیه فوق می افزاید، ولی بدانید این غلبه، زمان زیادی به طول نمی انجامد) امّا آنان پس از] این [شکست بزودی پیروز خواهند شد (؛» وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ «.

سپس انگشت روی جزئیات می گذارد و می افزاید:) در چند سال آینده این پیروزی رخ می دهد، همه کارها از آن خدا است؛ چه قبل و چه بعد] از این شکست و پیروزی [و در آن روز مؤمنان] به خاطر پیروزی دیگر [خوشحال خواهند شد (؛» فِي بِضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ

ص: ۱۰۵

قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ «.

امّا این خوشحالی تنها بر اساس فال نیک، نسبت به غلبه اسلام بر شرک نیست بلکه شادی آنها) به سبب یاری پروردگار] و پیروزی بر گروهی از دشمنان در محیط خود [خداوند هر کس را بخواهد نصرت می دهد؛ و او توانا و مهربان است (؛» بِنَصْرِ اللَّهِ یَنْصُرُ مَنْ یَشاءُ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ «.

سپس برای تأکید بیشتر و بر طرف ساختن هر گونه شک و تردید می فرماید:) این وعده خدا است و خداوند هرگز از وعده اش تخلف نمی کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند (؛» وَعْدَ اللَّهِ لا یُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ «.

این پیشگوئی عجیب که با ذکر جزئیات همراه است، آن هم یک پیشگویی در یک مسأله مهمّ نظامی و سیاسی چگونه ممکن است بدون آگاهی از اسرار غیب انجام گیرد. از یک سو خبر از اصل پیروزی می دهد، آن هم درباره رومیان شکست خورده ای که تا سر حدّ انقراض پیش رفته اند و بخش مهمّی از کشور خویش را از دست

ص: ۱۰۶

داده انـد و امیـدی نیست که به این آسـانی قـد علم کننـد؛ از سوی دیگر تصـریح می کنـد که این امر در چنـد سـال به وقوع خواهد پیوست و اضـافه می کنـد که مقارن پیروزی دیگری برای مسـلمانان بر کفار است و از همه اینها گذشـته تأکیـد مؤکّـد دارد که این وعـده الهی قطعی است و خـدا از وعـده خود تخلّف نمی کنـد و می بینیم که: این وعده دقیقاً به وقوع پیوست، و پادشاه روم) هرقل (از سال ۶۲۶ میلادی یعنی حدود ۹ سال بعد، شـکست های پی در پی به سـپاه خسـرو پرویز وارد ساخت و تا سال ۶۲۷ میلادی این جنـگ هـا به نفع رومیـان ادامه یافت و پیروزی آنها کامل شـد، خسـرو پرویز شـکست سـختی خورد و ایرانیان او را از سـلطنت خلع کردند و پسرش شیرویه را به جای او نشاندند.

کوتـاه سـخن این که: شـکست رومیان در سال ۶۱۷ میلادی واقع شـد، که مطـابق بـا هفتم بعثت پیـامبر) صـلی الله علیه وآله (بود، و پیروزی مجدّد رومیان در سال ۶۲۶ بود که قشون ساسانیان از آنها شـکست خورد، و سال بعد) سال ۶۲۷) این شکست به اوج خود رسید.

ص: ۱۰۷

چرا که هرقل به دستگرد که در بیست فرسخی تیسفون) پایتخت ایران و اقامتگاه خسرو پرویز (بود، پیشروی کرد. خسرو شکست خورد و فرار کرد، و موجب خلع او از سلطنت و سپس قتل او شد(۱) و می بینیم فاصله میان این دو ۹ سال بیشتر نبود که دقیقاً مطابق است بـا» بِضْعِ سِنِینَ «؛ زیرا» بِضْع «از نظر لغت به گفته راغب در مفردات به معنای بخشی از عدد ده به کار می رود و به چیزی که میان سه و ده قرار گیرد بضع می گویند، و بعضی گفته اند بضع به عددی بالاتر از پنج و کمتر از ده گفته می شود.

در معجم مقاییس اللغه نیز آمده است که» بِضْع «به معنای عددی است که میان سه و ده واقع شده باشد.

جالب این که این پیشگویی به قدری در میان مسلمانان، مسلّم شمرده می شد که حتّی بعضی از آنها حاضر شدند با مشرکان مکه بر سر آن شرط بندی کنند و این

۱- کتاب تاریخ ایران قدیم.

ص: ۱۰۸

شرط بندی انجام شد، نخست روی پنج سال شرط بندی کردند، امّا چون خبری نشد نزد پیامبر) صلی الله علیه وآله (آمدند و جریان را عرض کردند؛ فرمود شما روی کمتر از ده سال می بایست با آنها سخن می گفتید، همین طور شد این پیروزی بعد از شکست، در کمتر از ده سال به وقوع پیوست.

نکته مهمّ دیگر این که پیروزی رومیان مقارن پیروزی مسلمین در جنگ بدر بود؛ زیرا جنگ بدر در سال دوم هجرت واقع شد، و فاصله سال هفتم بعثت تا سال دوم هجرت چنانچه خود سال هفتم را نیز در نظر بگیریم نه سال می شود، و بدون آن هشت سال. به این ترتیب پیروزی رومیان، و پیروزی مسلمین نزدیک به هم بود و در واقع مسلمانان از دو جهت شاد شدند، یکی پیروزی اهل کتاب یعنی رومیان بر مجوسیان که صحنه ای از غلبه خداپرستی بر شرک بود و شکست آنها مایه خوشحالی مشرکان مکه شده بود، و دیگر پیروزی چشمگیر خودشان در جنگ بدر، بر مشرکان.

به هر حال این یکی از پیشگویی های صریحی است که

ص: ۱۰۹

در قرآن مجید به وضوح آمده و همان گونه که قبلاـ خبر داده شده بود، به وقوع پیوست و دلیل بارزی بر عظمت قرآن و اسلام بود.(۱)

۴- پیش گوئی قرآن از فتح ایران و روم توسط مسلمین

سوال: قرآن جریان فتح ایران و روم توسط مسلمین را چگونه پیش گوئی کرده است؟

پاسخ: قرآن در سوره فتح آیات ۲۰ و ۲۱ به دنبال ماجرای صلح حدیبیه و پیشگویی عمره القضاء و فتح خیبر، خبر از فتوحات فراوان دیگری همراه با غنائم بسیار در آیات دیگر می دهد و می فرماید:) خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی] غنایم خیبر [را زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و دست تعدّی مردم] دشمنان [را از

۱- گردآوری از کتاب: پیام قرآن، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ه. ش، ج ۸، ص ۲۷۹.

ص: ۱۱۰

شما بازداشت تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند (؛» وَعَدَکُمُ اللَّهُ مَغانِمَ کَثِیرَةً تَأْخُذُونَها فَعَجَّلَ لَکُمْ هذِهِ وَ کَفَّ أَیْدِیَ النَّاسِ عَنْکُمْ وَ لِتَکُونَ آیَةً لِلْمُؤْمِنِینَ وَ یَهْدِیَکُمْ صِراطاً مُسْتَقِیماً «سپس می افزاید:

) و نیز غنایم و فتوحات دیگری] نصیبتان می کند [که شما توانایی] به دست آوردن [آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد؛ و خداوند برهمه چیز توانا است (؛» وَ أُخْری لَمْ تَقْدِرُوا عَلَیْها قَدْ أَحاطَ اللَّهُ بِها وَ کانَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیراً «.

در این آیات، خبر از دو پیروزی بر دشمنان توأم با غنائم فراوان داده شده است؛ یکی در کوتاه مدّت و دیگری در دراز مدّت، غنائم و فتوحاتی که هرگز مسلمانان به حسب ظاهر، توانایی بر آن را نداشته اند اما به قدرت کامله الهی در اختیار آنان قرار گرفت.

در این که این اشاره به کدام قسمت از غنائم و فتوحات است، در میان مفسّران گفتگو است؛ بسیاری گفته اند:

منظور از غنائمی که در کوتاه مدّت، نصیب مسلمین می شود همان غنائم خیبر است، هر چند بعضی احتمال

ص: ۱۱۱

داده اند که اشاره به غنائم معنوی صلح حدیبیه باشد، ولی این احتمال ضعیف است و در مورد غنائم دراز مدت، بسیاری از مفسران، آن را اشاره به غنائم جنگ حنین و طایفه هوازن دانسته اند.(۱)

جمعی نیز احتمال داده انـد که اشاره به فتوحات بزرگ بعـد، مانند فتح ایران روم و یمن بوده باشد، و با توجّه به این که فتح حنین و غنائم هوازن، برای مسـلمانان چندان بعید نبوده، آنچه وصول به آن برای مسـلمانان به حسب ظاهر امکان پذیر نبود، فتح ایران و روم و مانند آن بود، و لذا هنگامی که در جنگ خندق پیامبر) صلی الله علیه وآله () طبق روایت معروفی (بشارت فتح ایران و روم و یمن را داد منافقان آن را به باد مسخره گرفتند، چرا که از

۱- در تفسیر مجمع البیان، تفسیر کبیر فخر رازی، و روح المعانی و المیزان، ذیل آیه مورد بحث به این مطلب اشاره شده است. غنائم جنگ حنین را بسیار زیاد نوشته اند بعضی ۲۴ هزار شتر و ۴۰ هزار گوسفند و مقدار زیادی نقره برآورد کرده اند) تفسیر روح البیان جلد ۹ صفحه ۴۲؛ منتهی الآمال جلد ۱ صفحه ۶۵)

ص: ۱۱۲

نظر اسباب ظاهری، غیر ممکن به نظر می رسید، ولی از آنجا که خداوند بر همه چیز قادر وتوانا است این فتوحات و غنائم بی نظیر را برای مسلمین ممکن ساخت، و سال ها قبل از رسیدن به آن، از آن پرده برداشت و به صورت پیشگویی قاطعی در آیات فوق، بیان فرمود.(۱)

۵- دو پیش گوئی قرآن در سوره کوثر

سوال: قرآن در سوره کوثر چه پیش گوئی هائی کرده است؟

پاسخ: در آیات سوره کوثر دو پیش گویی مهم دیده می شود؛ زیرا می فرماید:) به یقین ما به تو کوثر] و خیر و برکت فراوان [عطا کردیم.* پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.*] و بدان [دشمن تو به یقین ابتر و

۱- گردآوری از کتاب: پیام قرآن، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ه. ش، ج ۸، ص ۲۸۶.

ص: ۱۱۳

بریده نسل است (؛» إِنَّا أَعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ* فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ* إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ «.

بسیاری از مفسران شأن نزولی برای این آیه ذکر کرده انـد، که قریب الافق بـا یکـدیگر است از جمله برسوئی در روح البیـان می گویـد:» مشرکان مکه هنگـامی که پسران پیـامبر) صـلی الله علیه وآله (قـاسم و عبـدالله در مکه و ابراهیم در مـدینه، چشم از جهـان پوشیدند، گفتند:

محمد) صلی الله علیه وآله (پس از وفاتش نامش از خاطره ها محو می شود؛ زیرا نسلی از او باقی نمانده. در این سوره قرآن خبر می دهـد کسـی که نـامش از خـاطره هـا محو می شود، دشـمنان او هسـتند و اما نام و آوازه او بلنـدتر و بلنـدتر می شود، همان گونه که خداونـد اشاره فرموده، و این به خاطر آن است که خـدا نسـلی به او داد که با گـذشت زمان باقی می مانـد، بنگر ببین چقـدر از اهل بیت) علیهم السلام (را کشتند وشهید کردند، ولی این نسل در عالم فراگیر شد «.(۱)

۱- روح البیان، جلد ۱۰، صفحه ۵۲۵.

ص: ۱۱۴

طبرسی در مجمع البیان می گوید:» این سوره درباره عاص بن وائل نازل شده که وقتی پیامبر) صلی الله علیه وآله (از مسجدالحرام بیرون آمد و چشمش به او افتاد، و با حضرت سخنانی گفت، جمعی از بزرگان قریش این منظره را دیدند، سؤال کردند با که سخن می گفتی؟ او گفت: با این ابتر) بلاعقب (... این به خاطر آن بود که عرب به کسی که فرزند پسر نداشت ابْتَر می گفتند، سوره فوق نازل شد و به آنها پاسخ داد. «(۱)

به هر حال در این سوره، دو پیش گویی مهم دیده می شود:

نخست این که می فرماید:» ما خیر کثیر به تو عطا کردیم «اگر چه» أَعْطَیْناکَ «به صورت فعل ماضی است؛ ولی ممکن است از قبیل مضارع قطعی باشد که به شکل فعل ماضی بیان شده است.

این خیر کثیر در حقیقت تمام پیروزی هایی را که نصیب پیامبر) صلی الله علیه وآله (شد و به هنگام نزول این

۱- مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه ۵۴۹.

ص: ۱۱۵

سوره در مکه قابل پیش بینی نبود، شامل می شود.

مخصوصاً با توجه به شأن نزول ها، و با توجه به واژه» ابْتَر «که دشمنان آن را بر پیامبر) صلی الله علیه وآله (اطلاق می کردند، یک مصداق روشن این خیر فراوان همان فرزندان و نسل برومند او است که همگی از تنها دخترش فاطمه زهرا) علیها السلام (در سرتاسر کره زمین گسترش یافتند و به گفته بعضی، امروز جهان را پر کردند و این چیزی است که در آن زمان قابل پیش بینی نبود.

جمعی از مفسران اهل سنّت نیز صریحاً به این موضوع، اشاره کرده اند. از جمله: فخررازی، سوّمین قولی را که در تفسیر کوثر نقل می کند، همان اولاد و فرزندان او است، می گوید:» به این دلیل که این سوره در پاسخ کسانی نازل شد که او را به نداشتن فرزند مذکّر، مذمّت می کردند، پس مفهومش این است خداوند نسلی به او عطا می کند که در طول قرون و اعصار، باقی می ماند.

از سوی دیگر خبر می دهد که دشمنان او ابتر و بلاعقب خواهند بود؛ این پیش گویی نیز تحقق یافت و دشمنان آن حضرت، چنان تار و مار شدند که امروز اثری از آنها

ص: ۱۱۶

باقی نمانده است. ابوسفیان و فرزندانش و دودمان بنی امیه که از دشمنان سر سخت اسلام بودند که بعضی به مقابله با پیامبر) صلی الله علیه وآله (و بعضی به مقابله با فرزندان او برخاستند، روزی آنقدر جمعیت داشتند که خویشاوندان و فرزندان و تعداد فامیل آنها از شماره بیرون بود ولی امروز اگر چیزی از آنها هم باقی مانده باشد هرگز شناخته شده نیست.

آلوسی در روح المعانی می گوید:» معنای ابتَر آن است که بازمانده ای نداشته باشد، نه فرزندانی و نه نام نیکی، و این درباره دشمنان پیامبر) صلی الله علیه وآله (صادق است، اما او فرزندان و نام نیک و آثار فضلش، تا روز قیامت بلکه در خود قیامت نیز باقی مانده و می ماند «.(۱)

۶- پیش گوئی قرآن از فتح مکّه

سوال: قرآن جریان فتح مکّه را چگونه پیش گوئی کرده

۱- روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۴۷) چاپ دارالتراث العربی لبنان(.

ص: ۱۱۷

است؟

پاسخ: خداوند در آیه ۸۵ سوره قصص وعده ای به پیامبرش می دهد و آن وعده بازگشت به حرم امن الهی است.

این وعـده در یکی از سـخت ترین روزهـای زنـدگی پیغمبر اکرم) صـلی الله علیه وآله (داده شـد، یعنی در آن حال که می خواسـت حلقه محاصره دشمنان کینه توز را بشکند و از لابه لای شمشیرهای آنها بیرون آید و از مکه به مدینه هجرت کند به وقوع پیوست.

او به لطف الهی این کار را کرد و راه مدینه را پیش گرفت.

هنگامی که به سـرزمین جحفه که فاصـله زیادی از مکه ندارد، رسید به یاد موطنش حرم امن الهی افتاد. آثار این اشتیاق که با تأثر و انـدوه آمیخته بود در چهره مبارکش نمایان شد. در این هنگام آیه فوق نازل و پیام الهی به این صورت به او ابلاغ گشت:) آن کس که قرآن را بر تو لازم کرد، تو را به جایگاهت [باز می گرداند] زادگاهت (؛» إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ «.

پیش بینی بازگشت پیامبر) صلی الله علیه وآله (به مکه

ص: ۱۱۸

آن هم به صورت قاطع و صریح، مخصوصاً با پیوند دادن آن به نزول قرآن که خدای نازل کننده قرآن این کار را حتماً خواهد کرد، در آن شرایط بسیار سخت و دشوار عادتاً غیر ممکن بود. ولی می دانیم این وعده بزرگ سرانجام تحقق یافت و بعد از چند سال پیغمبر اسلام) صلی الله علیه وآله (با ارتش نیرومند و پرقدرتی پیروزمندانه به مکه بازگشت و حرم امن الهی را بدون جنگ و خونریزی به زیر سایه اسلام درآورد و این یکی از پیشگویی های اعجازآمیز قرآن است که چنین خبری را از آینده به صورت قاطع و صریح و بدون هیچ قید و شرطی آن هم در زمانی که نشانه هایی از پیروزی مطلقاً به چشم نمی خورد، داده است و در فاصله کمی تحقق یافت.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید:» این آیه دلیل روشن بر صدق نبوت پیامبر است؛ زیرا او چنین خبری را بدون قید و شرط و استثناء بیان کرده و عیناً این خبر

ص: ۱۱۹

تحقق یافت. «(۱)

فخررازی نیز در تفسیر خود می گوید:» این آیه یکی از اموری است که دلالت بر نبوت پیامبر اسلام) صلی الله علیه وآله (می کند زیرا از غیب خبر داده و آنچه را خبر داده تحقق یافته؛ بنابراین معجزه روشن است «.(۲)

در اینجا بعضی احتمال داده اند که منظور از معاد، روز قیامت است و این احتمال همان گونه که محققان و مفسران گفته اند احتمال ضعیفی است؛ زیرا معاد مخصوص پیغمبر اسلام نیست که تنها او را مخاطب سازد، به علاوه کلمه» لَرادُّکَ «با معاد قیامت چندان مناسب نیست، زیرا بازگشت به جایی، فرع بر خروج از آنجا است.

اضافه بر این، تکیه بر نزول قرآن در جمله:» إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ «که قبل از آن آمد، و همچنین جمله:

۱- مجمع البیان جلد ۷ و ۸، صفحه ۲۹۶ ذیل آیه مورد بحث.

۲-). تفسیر فخررازی جلد ۲۵، صفحه ۲۱، ذیل آیه مورد بحث.

ص: ۱۲۰

» قُلْ رَبِّی أَعْلَمُ مَنْ جاءَ بِالْهُدی وَ مَنْ هُوَ فِی ضَلالٍ مُبِینٍ «؛) بگو: پروردگارمن از همه بهتر می داند چه کسی] برنامه [هدایت آورده و چه کسی در گمراهی آشکار است.(۱) که بعد از آن آمده همه قرینه است بر این که سخن از حقّانیت پیامبر اسلام) صلی الله علیه وآله (و قرآن در میان است نه مسأله معاد در روز قیامت، از همه گذشته این تفسیر با شأن نزول آیه نیز سازگار نیست.

به علاوه واژه معاد به طوری که مرحوم طبرسی از قتیبی نقل می کند به معنای شهر و وطن انسان است:» مَعاد الرَّجُلِ بَلَدُهُ «؛ زیرا به هر جا می رود باز به آنجا بر می گردد و قابل توجه این که در قرآن مجید کلمه مَعاد فقط یک بار آمده و آن هم در همین جا است که به معنای زادگاه و موطن است.(۲)

۷- پیش گوئی قرآن از شکست دشمنان اسلام

سوال: قرآن جریان شکست دشمنان اسلام را چگونه

۱- سوره قصص، آیه ۸۵.

۲-

ص: ۱۲۱

پیش گوئی کرده است؟

پاسخ: در زمانی که دشـمنان اسلام در اوج قدرت بودند و مسلمین در اقلیت و ضعف، دشمنان به توانایی و قدرت خود می نازیدند، و) می گفتند ما جمعیتی نیرومند و متحد هستیم «و از مخالفانمان انتقام می گیریم و بر آنها پیروز می شویم (؛» أَمْ یَقُولُونَ نَحْنُ جَمِیعٌ مُنْتَصِرٌ «(۱) ولی قرآن بلافاصله می افزایـد:)] امّا [به زودی جمعشان شـکست می خورد و پا به فرار می گذارنـد (؛» سَیُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ یُوَلُّونَ الدُّبُرَ «

مسلماً در(۲) آن زمان، پیش بینی پیروزی سـریع مسـلمین و در هم شکسـتن دشـمنان نیرومنـد اسـلام غیر ممکن بود، ولی چند سالی بیشتر نگـذشت که مسـلمانان هجرت نمودنـد و آنقـدر قـدرت و توانایی یافتنـد که در نخستین برخورد مسـلحانه با دشـمن در میدان جنگ بدر چنان ضربه سهمگینی بر دشمنان وارد کردند که هرگز انتظار آن را نداشتند.

۱- سوره قمر آیه ۴۴.

۲- سوره قمر آیه ۴۵.

ص: ۱۲۲

جالب این که طبق حدیثی که از ابن عباس نقل شده پیامبر اکرم) صلی الله علیه وآله (در روز بدر، نخست در خیمه خود، دعا کرد و عرضه داشت:» خداوندا! من تو را به عهد و پیمانی که با ما داشته ای می خوانم «و سپس هنگامی که با لباس جنگ از خیمه بیرون آمد و وارد میدان شد، این آیه را تلاوت می کرد» سَیُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ یُوَلُّونَ الدُّبُرَ «یعنی امروز این وعده الهی تحقّق می یابد.(۱)

البتّه این هزیمت و فرار دشمنان باز هم ادامه یافت و تکرار شد و چند سال دیگر گذشت در حالی که نه فقط کفار مکه در برابر مسلمانان تسلیم شدند؛ بلکه تمام جزیره عربستان در برابر آنان سر تسلیم فرو آوردند.

در تفسیر قرطبی از بعضی مفسران نقل شده که این آیه در میدان جنگ بدر نازل شده، در حالی که معروف و مشهور این است که تمام سوره قمر در مکه نازل شده است، ظاهر این است که منشأ اشتباه همان است که در

۱- سوره قمر آیه ۴۵.

ص: ۱۲۳

بالا اشاره شده که پیغمبر اکرم) صلی الله علیه وآله (این آیه را در میدان بدر تکرار کرد، اشاره به این که وعده الهی امروز تحقق می یابد و لذا بعضی گمان کرده اند که آیه در آنجا نازل شد.

به هر حال این یکی از پیش گویی های قاطع قرآن است که در مدت کوتاهی به وقوع پیوست در حالی که کمتر کسی انتظار آن را داشت.(۱)

۸- پیش گوئی قرآن از انجام مناسک حج و پیروزی مسلمین در خیبر

سوال: قرآن انجام مناسك حج و پیروزی مسلمین را در جنگ خیبر چگونه پیش گوئی کرده است؟

پاسخ: خداوند در سوره فتح آیه ۲۷ از دو حادثه مهمّ

۱- در تفسیر فی ظلال جلد، صفحه ۶۵۷ این حدیث از صحیح بخاری از ابن عباس نقل شده است) با تلخیص(.

ص: ۱۲۴

مربوط به آینده مسلمین پرده برمی دارد. نخست این که در آینده نزدیکی علی رغم مخالفت شدیدی که مشرکان، نسبت به ورود مسلمانان در مکه و مسجدالحرام و انجام مناسک حج و عمره داشتند، شما وارد مسجد الحرام می شوید و این مراسم پرشکوه را در نهایت امنیت انجام خواهید داد، و دیگر این که پیروزی چمشگیری نیز قبل از آن نصیب شما خواهد شد، می فرماید:) خداوند آنچه را به پیامبرش در رؤیا نشان داد، به حق راست گفت؛ بطور قطع همه شما به خواست خدا وارد مسجدالحرام می شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید] و در این تأخیر حکمتی بود و قبل از آن، فتح نزدیکی] در خیبر برای شما [قرارداده است (؛» لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُونَ فَعَلِمَ ما لَمْ تَعْلَمُوا

ص: ۱۲۵

فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذلِکَ فَتْحاً قَرِیباً «(۱).

این آیه نشان می دهد که پیامبر) صلی الله علیه وآله (خوابی دیده بود که مطابق آن مسلمانان برای انجام مراسم زیارت خانه خدا وارد مسجد الحرام می شوند؛ گروهی اعتقاد داشتند که در همان سال و بدون فاصله این خواب تحقق می یابد.

هنگامی که مسلمانان به سوی مکه برای زیارت حرکت کردند، و مشرکان مکه آنها را در حدیبیه روستایی در ۲۰ کیلومتری مکه که به مناسبت چاه یا درختی که در آنجا بود به این نام نامیده می شد متوقف کردند وبه صلح معروف حدیبیه انجامید. گروهی به تردید افتادند که این خواب شاید واقعیت پیدا نکند حتّی بعضی، از پیامبر) صلی الله علیه وآله (در این زمینه سؤال کردند که چرا این خواب رحمانی شما تحقق نیافت؟ پیامبر فرمود:» من نگفتم امسال تحقق خواهد یافت؛ بلکه

۱- سوره فتح، آیه ۲۷.

ص: ۱۲۶

گفتم در آینده نزدیک «(۱)

۱- در این که این سؤال را چه کسی از پیامبر) صلی الله علیه وآله(کرد، آلوسی در روح المعانی روایتی نقل می کند نخست این که: عبدالله بن ابی و عبدالله بن نفیل و رفاعه بن حرث به عنوان اعتراض گفتند:» به خدا سوگند نه سرهای خود را به عنوان مراسم عمره تراشیدیم و نه موهای خود را کوتاه کردیم و نه چشممان به مسجد الحرام افتاد« و در این هنگام بود که آیه فوق نازل شد و تأکید بر صدق این رؤیا و تحقق آن نمود. دیگر این که سؤال کننده عمر بن خطاب بود) روح المعانی جلد ۲۶ صفحه ۱۰۹) ولی طبرسی در مجمع البیان روایت دیگری نقل می کند و آن این که عمر گفت:» به خدا سوگند از آن زمان که اسلام را پذیرفتم هرگز شک و تردیدی به خود راه ندادم جز آن روز که مشرکان مانع از مراسم عمره در سال حدیبیه سال ششم هجرت شدند خدمت پیامبر) صلی الله علیه وآله(رسیدم و گفتم ":مگر ما بر حق نیستیم، مگر شما نفرمودید در آینده نزدیک طواف خانه خدا خواهیم کرد پس چه شد "؟پیامبر) صلی الله علیه وآله(فرمود ":ما بر حقیم ولی من به تو خبر ندادم که امسال این مسأله انجام می شود«)" مجمع البیان جلد ۹ صفحه ۱۱۹ با تلخیص(همین حدیث در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم با مختصر تفاوتی نقل شده است.

ص: ۱۲۷

در این هنگـام آیه فوق نـازل شـد و نخست تأکیـد بر صـدق این رؤیا کرد، و سـپس انگشت روی جزئیات گـذاشت که بزودی وارد مسـجد الحرام خواهیـد شـد و مراسم حـج را با کمال امینت به جا خواهید آورد و علاوه بر آن پیروزی چشـمگیری قبل از انجام این مراسم، نصیب شما خواهد شد.

این پیشگویی مطابق آنچه تمام مورخین نوشته اند تحقق یافت و سال بعد از جریان حدیبیه) سال هفتم هجرت (مسلمانان موفق شدند که با گروه عظیمی مراسم عمره را به جا آورند، و این مراسم عُمرَهُ القَضاء نامیده شد؛ چرا که در واقع قضای عمره بود که همه مایل بودند در سال قبل انجام شود.

از مجموع آنچه گفته شد، چنین نتیجه می گیریم که: در این بخش از آیات با قاطعیت از یک مسأله غیر قابل

ص: ۱۲۸

پیش بینی که مورد تضاد شدید میان مسلمین و مشرکان مکه قرار داشت، پرده برداشته شده و حتی به جزئیات آن نیز اشاره شده است و مقارنت آن با پیروزی دیگری نیز برای مسلمین پیشگویی شده که این خود بیان مضاعفی است مربوط به این پیشگویی مهم.

در این که فتح قریب چه بوده است؟ در میان مفسران گفتگو است؛ زیرا دو پیروزی مهم، نزدیک این جریان، برای مسلمانان واقع شد؛ یکی صلح حدیبیه بود که از جهات زیادی، برای مسلمانان موجب گشایش شد بطوری که فتح المبین نامیده شد و(۱) دیگر فتح خیبر در آغاز سال هفتم هجری به فاصله چند ماه بعد از ماجرای حدیبیه بود، و ظاهر این است که فتح قریب اشاره به ماجرای دوم است آن چنان که بسیاری از محققان اختیار کرده اند؛ زیرا در آیه ۱۹ سوره فتح می فرماید:

۱- برای پی بردن به اهمیت صلح حدیبیه و پیامدهای آن برای مسلمین، به تفسیر نمونه ذیل آیات ۱ تا ۳ سوره فتح مراجعه فرمائید.

ص: ۱۲۹

» وَ مَغانِمَ کَثِیرَهً یَأْخُذُونَها وَ کانَ اللَّهُ عَزِیزاً حَکِیماً «؛) و] همچنین [غنایم بسیاری که آن را به دست می آورند؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است (.

درست است که غنیمت مفهوم وسیعی دارد و هر گونه غنیمت مادّی و معنوی را شامل می شود ولی در این گونه موارد، بیشتر غنائم ظاهری را تداعی می کند و می دانیم که غنائم ظاهری در فتح خیبر بود نه در صلح حدیبیه.

بنابراین به خوبی می توان نتیجه گرفت که این گونه پیشگویی های دقیق، آن هم با قاطعیت تمام، و نه به صورت احتمال، جز از طریق ارتباط با عالم غیب ممکن نیست.(۱)

۱- گردآوری از کتاب: پیام قرآن، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ه. ش، ج ۸، ص ۲۸۳.

ص: ۱۳۰

منابع و مصادر بی واسطه یا با واسطه کتاب

۱۳- قرآن کریم.

۱۴- البیان فی تفسیر القرآن، ابوالقاسم خوئی، قم، دار الثقلین، س ۱۴۱۸.

۱۵- البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم،

۱۶- البیان و التبیین، عمرو جاحظ، به کوشش فوزی عطوی، بیروت، ۱۹۶۸ م.

۱۷- الاتقان، سیوطی، به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷ ق/ ۱۹۶۷ م.

۱۸- الاقتصاد، محمد طوسی، تهران، ۱۴۰۰ ق.

۱۹- التفسیر، منسوب به امام حسن عسکری) ع (، قم، ۱۴۰۹ ق.

۲۰- التمهید، محمد هادی معرفت، قم، جامعه مدرسین.

۲۱- المواقف، عضدالدین ایجی، به کوشش عبدالرحمان عمیره، بیروت، ۱۹۹۷ م.

ص: ۱۳۱

۲۲- الکافی، محمد کلینی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ ق.

۲۳- الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، جوهری، لبنان، بیروت، دارا لعلم للملابین، س ۱۴۵۴ هق ۱۹۸۴ م.

۲۴- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد طوسی تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۵- الخرائج و الجرائح، قطب راوندی،.

۲۶- المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، سید محمد حسین، و مواضع دیگر ذیل آیات موسوم به تحدی.

۲۷- الفهرست، ابن ندیم،.

۲۸- التحریر و التنویر،.

۲۹- البرهان فی علوم القرآن،

۳۰- الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، زمخشری، محمد بن عمر،؛

۳۱- اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، رافعی، مصطفی صادق،.

۳۲- التفسیر الکبیر، فخر رازی، محمد بن عمر،.

۳۳- الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، محمد بن احمد.،

۳۴- انوار درخشان،

ص: ۱۳۲

۳۵- اطیب البیان،

۳۶- اعلام الوری، طبرسی،؛

۳۷- اعجاز و تحدی از دیدگاه آیت الله میرزا مهدی اصفهانی، غلامی، اصغر، مجله سفینه، زمستان ۸۷، شماره ۲۱، ص ۵۵ تا ۸۶.

۳۸- اعجاز القرآن، محمد باقلانی، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف.

۳۹- بررسی سیر نزولی تحدی در قرآن، قاضی زاده، کاظم، مجله پژوهش های قرآنی، شماره ۳، ص ۲۰۲.

۴۰- بیان اعجاز القرآن «حمد خطابی، ضـمن ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، به کوشش محمد خلف الله و ۴۱- محمد زغلول سلام، قاهره، ۱۹۹۱ م.

۴۲- بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر.

۴۳- چند اصطلاح علوم قرآنی، میرمحمدی، بررسی مجله مقالات و بررسی ها، زمستان ۷۱ و بهار ۷۲، شماره ۵۳ و ۵۴.

۴۴- جزوه درسی اعجاز قرآن مقطع ارشد، مهدوی راد، محمدعلی.

۴۵- تاریخ القرآن، زنجانی، ابو عبدالله؛ تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، چ اوّل، ۱۴۰۴، ص ۵۵ ۶۴.

۴۶- تاریخ قرآن کریم، حجتی، سید محمد باقر،.

ص: ۱۳۳

۴۷- تحدی و صرفه، میرمحمدی، ابوالفضل، مجله مقالات و بررسی ها، زمستان ۷۱ و بهار ۷۰، شماره ۵۱ و ۵۲، ص ۳.

۴۸- دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله» تحدی «، ج ۱۴، ص ۲۶.

۴۹- درسنامه علوم قرآنی، جوان آراسته، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اوّل، ۷۷.

۵۰- درآمدی بر تاریخ قرآن، معارف، مجید،.

۵۱- تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، س ۱۳۷۴ ش.

۵۲- تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ملا محسن،

۵۳- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، س ۱۳۷۴ ش.

۵۴- تفسیر طبری،.

۵۵- تمهید الاوائل، محمد باقلانی، به کوشش عمادالدین احمد حیدر، بیروت، ۱۹۸۷ م.

۵۶- تفسیر الحدیث، عزت دروزه؛

۵۷- تفسیر القرآن الحکیم) المنار رشید رضا، محمد.

ص: ۱۳۴

۵۸- زادالمسیر، ابن جوزی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۵۹- زرکشی، محمد بن عبد الله،

۶۰- فی ظلال القرآن، سید قطب، محمد، فی.

۶۱- قول به صرفه از دیدگاه آیت الله مصطفی خمینی در باره تحدی قرآن، مجله معرفت، شماره ۳۵، ص ۷۳ تا ۷۷.

۶۲- قرآن در اسلام، طباطبایی، سید محمد حسین،.

۶۳- قرآن پژوهی، تهران، دوستان، خرمشاهی، بهاء الدین.

۶۴- قرآن شناسی، مصباح یزدی، محمدتقی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی) ره (، چ اوّل، ۷۶، ص ۱۲۷ ۱۳۳.

۶۵- کنز الدقائق، مشهدی قمی، محمد،

۶۶- لسان العرب، ابن منظور، بیروت، دار صادر، س ۱۴۱۴ ق.

۶۷- لغت نامه دهخدا علی اکبردهخدا،.

۶۸- معجزه قرآن و مبارزه با فلسفه شرک، بهبودی، محمدباقر،.

۶۹- معجم مقاییس اللغه، ابن فارس، احمد،.

۷۰- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن،.

۷۱- محاسن التأویل، قاسمی، جمال الدین،.

۷۲- مقاییس اللغه، ابن فارس،.

۷۳- مرز تحدی، نصیری، علی، مجله اندیشه حوزه، تابستان

ص: ۱۳۵

۱۳۷۵ ش، شماره ۵.

۷۴- مدخل التفسیر، فاضل لنکرانی، محمد.

۷۵- مداخل اعجاز القرآن، شاکر، محمد بن محمود.

۷۶- مناهج الیقین فی اصول الدین، حسن بن یوسف، تحقیق یعقوب جعفری المراغی، دارالاسوه

۷۷- للطباعه والنشر، س ۱۳۱۵ هق.

۷۸- منتهی الارب، میرزا عبدالرحیم صفی پور، تهران، موسسه کربلای.

۷۹- نهایه الایجاز، فخرالدین رازی، قاهره، ۱۳۱۷ ق.

۸۰- نور الثقلین، حویزی عروسی، عبد علی بن جمعه،

۸۱- نگرش امام خمینی به اعجاز قرآن، عابدی، احمد، مجله شیعه شناسی، تابستان ۸۵، شماره ۱۴، ص ۴۰.

۸۲- نهایه الایجاز، فخرالدین رازی، قاهره، ۱۳۱۷ ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان

